کرمان پگاه زیبایی
٦



سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان کرمان

سیرجان خطه گهرنشان

محمّدعلی گلاب زاده

کرمان

سیرجان ۶





کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۴

سیرجان خطّهٔ گهرنشان

محمّدعلی گلاب زاده



سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان

سیرجان
ناشر : سازمان میراث فرهنگی وگردشگری استان کرمان
عکس : رکن الدین،سلیمانی ،فخری زاده پاییزوزمستان ۸۵
حروفچینی :مژده تقی زاده
نمونه خوان:مریم شمس الدینی
گرافیک وصفحه آرایی : آتلیه بوتیا(مهدی جعفری)
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
چاپ : کارمانیا
چاپ اول ، بهمن ماه۱۳۸۵
لیتوگرافی : کتیبه

فهرست مطالب

فهرست مطالب

مقدمه

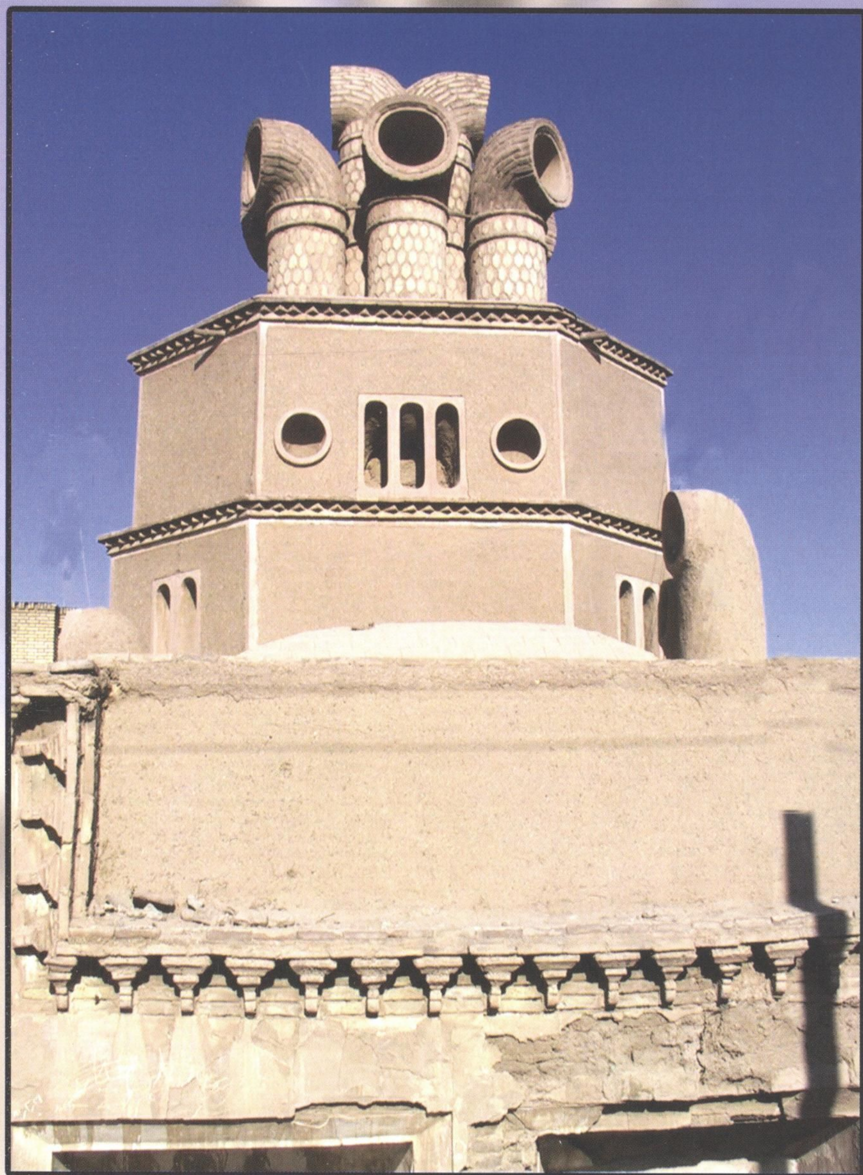
سیرجان، از جمله شهرستانهایی است که با وجود جاذبه‌های مختلف گردشگری، تجاری، اقتصادی صنعتی، معدنی، فرهنگی و اجتماعی جایگاه رفیعی را به خود اختصاص داده، شهری که‌ریشه در تاریخ دارد و روزگاری پرچم مرکزیت استان کرمان در آن بر اهتزاز بود و از این جهت نیز صاحب مرتبه تاریخی است.

در زمینهٔ گردشگری، طرحهای در دست اقدام برای بازسازی و حفظ و نگهداری آثار کهن و فراهم ساختن امکانات رفاهی برای ایرانگردان و جهانگردان، همچنین قرار گرفتن سیرجان بر سر چند راه بندرعباس ـ کرمان ـ یزد و شیراز و وجود استعدادهای مختلف، از فرداهای روشنی حکایت داشته و بر این باور می‌افزاید. از سوی دیگر وجود منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی و امکان حضور آسان علاقمندان‌امر تجارت از سراسر جهان، فرصت مناسب دیگری است که می توان و باید از آن بهره برد همچنین وجود شرکت گل گهر به عنوان یکی از پایگاههای رفیع اقتصادی و تولیدی کشور، و ده‌ها جذبه گردشگری و اجتماعی و هنری و فرهنگی، این موقعیت استثنائی را برای سیرجان فراهم ساخته.

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تمامی تلاش خود را به کار گرفته و آرزو دارد که در آینده‌ای نه چندان دور سیرجان را به عنوان یکی از پایگاه‌های معتبر گردشگری درآورده و جایگاهی که شایستهٔ آن است را ارمغان این دیار کهن سازد. اگر چه امروز نیز از این جهت تهی از رونق نیست. بدان امید

علی کارنما

رئیس سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان کرمان



بادگیر چپقی

پیش گفتار

سیرجان، کهن سرزمینی است که در سایه برخورداری از زنان و مردانی سخت کوش و با فرهنگ، و منابع طبیعی ارزشمند و غنای مادی و معنوی فراوان، در جمع شهرستانهای استان کرمان، جایگاه ویژه‌ای بدست آورده و بعنوان سرزمینی شاخص و برجسته معروف است. سیرجان، دیاری که روزگاری مرکزیت استان کرمان را دارا بود، و در گذشته نیز همواره از موقعیت مناسب و شایسته‌ای بهره برده، نخبگان و مفاخری را در دامان خود پرورش داده که از دیر باز تا امروز همچون چراغی فرا راه دانش و معرفت نورافشانی کرده، و بر ارزش و اعتبار این خطّه افزوده‌اند.

سیرجان امروز، با دارا بودن موقعیت‌های استثنائی، از قبیل معادن فولاد گل گهر- پسته‌زارهای کلان -قرار گرفتن بر سر راه‌های یزد، بندرعباس، کرمان و شیراز -همچنین برخورداری از فرودگاه -راه آهن -منطقه ویژه اقتصادی -دانشگاه و مدارس عالی مختلف، افقی روشن رویاروی خود دارد، و به آینده‌ای می‌نگرد که بتواند آنرا رشک روزهای روشن و پرفروغ گذشته سازد و به جایگاه رفیعی که شایسته آنست دست یابد.

محمود وفایی

معاون فرهنگی

ب ـ دشت کویر سیرجان: وسعت این حوضه ۵۸۵۰ کیلومتر مربع و حداکثر ارتفاع آن ۲۸۷۳ و حداقل آن ۱۶۸۳متر می‌باشد.

ارتفاع میانگین دشت‌های داخلی ایران اندکی بیش از هزار متر است. مرتفع‌ترین دشت‌های بیابانی داخلی دشت ابراهیم‌آباد در جنوب شرقی سیرجان با حداقل ۱۷۱۰ متر است در حالیکه دشت لوت با ارتفاع ۵۶ متر پست‌ترین دشت های داخلی می‌باشد. (جغرافیای ایران، سال دوم دبیرستان)

رودها: تنها رودخانه دائمی این شهرستان، رودخانه تنگوئیه است که از دو شاخه اصلی به‌نام‌تنگو و پلنگی تشکیل می‌شود. منابع تغذیه آن برف و باران و متوسط دبی سالیانه ۲۲/۸ میلیون‌مترمکعب است . بر روی این رودخانه هم اکنون سدی به نام سد تنگوئیه ساخته شده است.

علاوه بر رودخانهٔ تنگو و رودخانهٔ حسین آباد که هر دو فصلی هستند، رودخانهٔ گیوه‌دری از کوهستان پاریز و بارجی سرچشمه گرفته و بعد از عبور از رفسنجان در دهستان نوق به نام رودخانهٔ شور معروف شده و به کویر بافق منتهی می‌شود.(آمارنامهٔ کرمان ۱۳۶۹)

برداشت آبهای زیرزمینی در هر سال قریب ۵۳۷/۲ میلیون متر مکعب و تعداد چاه‌های عمیق ۹۲۶ حلقه و عمق آنها از ۵۰ تا ۲۵۵متر متفاوت است. تعداد چاه‌های نیمه عمیق۳۷۶حلقه، تعداد قنوات ۸۶ رشته، و تعداد چشمه‌های دائمی و غیردائمی بیش از ۱۰۰ دهنه است. در این شهرستان تنها چشمه آب معدنی «گل آونگ» در جنوب شرقی سیرجان است که بطور دائم جریان دارد که آب آن از نوع آبهای سولفاته سدیم و کلروره کلسیک است.

حوضهٔ آبریز ابرقو سیرجان در سمت جنوب غربی فلات مرکزی ایران وا قع شده که حدود ۲/۵ هکتار از مساحت آنرا نقاط کوهستانی نیمه کویری تشکیل می‌دهند. بزرگترین این کویرهای نمکی باتلاق نمک سیرجان است. (فلات مرکزی سیرجان)

۲ - زمین‌شناسی:

تشکیلات و دورانهای مختلف زمین‌شناسی منطقه سیرجان شامل ۴ دوران است.

دوران اول، درشمال شرقی و کوه‌های جنوبی دشت سیرجان گسترش دارند و مجموعاً در حوضه آبگیرسیرجان ۲۲۴۷ کیلومترمربع وسعت داردکه ۱۸/۹درصدحوضه آبگیررا شامل‌می‌شود.

دوران دوم، با ۶۲ کیلومتر مربع وسعت ۵٪ از کل حوضه را تشکیل می‌دهد.

دوران سوم، با ۳۰۰ کیلومتر مربع و سعت ۱۹/۶٪ کل حوضه آبخیز را تشکیل می‌دهد.

دوران چهارم، با ۶۵۸۳ کیلومتر مربع و سعت ۵۵/۳٪ حوضه را تشکیل می‌دهد که از این مقدار ۱۳۱۵کیلومتر مربع آن کویرهای سیرجان است.



سروکهن امام زاده سیداحمد

۳ ـ ژئومورفولوژی:

شهرستان سیرجان بین دو رشته کوه که دنباله کوه‌های زاگرس است واقع شده. یک رشته از این کوه‌ها از جنوب یزد و از شرق سیرجان می گذرد و تا جازموریان ادامه دارد، رشته دیگر که کوه‌های قطر و خواجویی را نیز شامل می‌شود در جنوب شرقی سیرجان قرار دارد. شهر سیرجان در منطقه‌ای دشتی بر روی لایه‌های شنی دوران اخیر بنا شده. در غرب شهر و حوضه نفوذ آن، نوار ادامه داری بنام کفه نمک واقع شده، در این کفه اغلب دریاچه‌های فصلی وجود دارد. قسمت اعظم وسعت دشت سیرجان را رسوبات کفه‌ای و شوره‌زار تشکیل داده‌اند.

۴ ـ ارتفاعات:

مهمترین کوه‌های سیرجان عبارتند از: کوه تنبور با **۲۳۵۳** متر ارتفاع در **۱۲** کیلومتری شرق

کم بری با ارتفاع ۲۱۰۰متر در ۱۲ کیلومتری جنوب

کوه کویز با ارتفاع ۱۹۹۸ متر در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب

کوه خواجوئی با اتفاع ۲۹۱۲متر در ۲۵ کیلومتری جنوب شهر سیرجان عوارض آن شامل: باتلاق نمک سیرجان (کفه نمکی) دشت سیرجان، دشت ابراهیم‌آباد سیرجان به ارتفاع ۱۷۱۰متر که بلندترین دشت ایران است - دشت مانون، دشت امامزاده علی، سد تنگوئیه و... است.

۵ ـ پوشش گیاهی:

علیرغم افزایش بی‌رویه تعداد دام و فرسایش و نابودي پوشش گیاهی منطقه، معذالک دامنه‌های این شهرستان دارای شرایط ییلاقی و از نظر منابع گیاهی از شادابی نسبی برخوردار است.

این شهرستان دارای ۲۰۰ هزار هکتار درختچه‌زار، در محدوده دهستانهای بلورد، چهار گنبد، پاریز، مناطق خانه سرخ و میان گودقماش است میزان مراتع شهرستان سیرجان ۱/۳۰۰/۰۰۰ هکتار شامل ۴۰۰/۰۰۰ هکتار کوهستانی و بقیه دشتی است که ۱۶٪ مراتع استان را تشکیل می‌دهد. بنه با ارتفاع ۳ـ بادام کوهی با ارتفاع ۲/۵ ـ کهکم با ارتفاع۲/۵متر، همچنین کسور و گز، گونه‌های درختی را تشکیل می‌دهند ـ تاغ، دافنه، زرشک و زیتون از گونه‌های درختچه‌ای و گراسوها، شور، سیبک، خارشتر، ترقو، سرسو، اسپند از گیاهان علفی، خاکشیر، بومادران، گل ختمی، گل خشت زیره، آلاله، آویشن ، کاسنی، شیرین بیان از گیاهان داروئی و انغوزه و گون از گیاهان صنعتی، مجموعه پوشش گیاهی سیرجان را تشکیل می‌دهند.

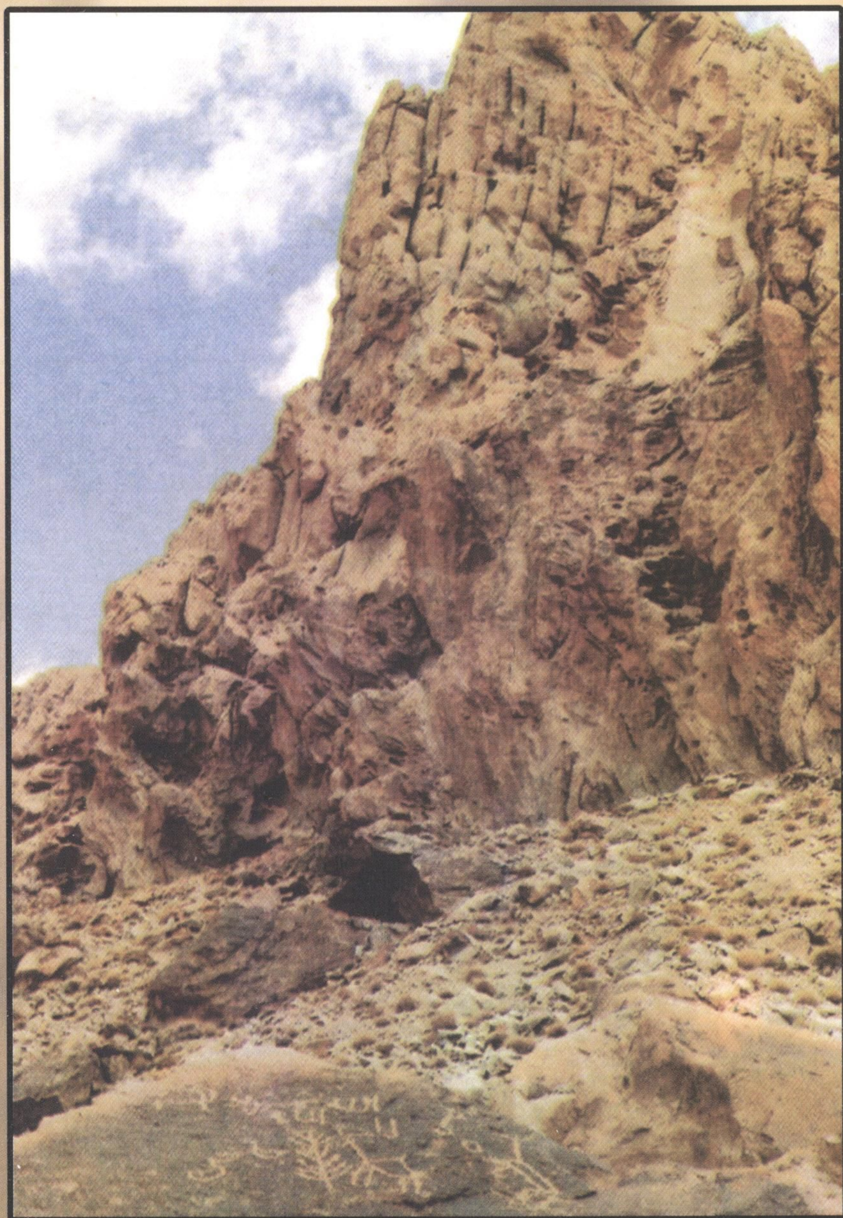
۶ ـ مناطق حفاظت شده:

منطقه حفاظت شده سیاه کوه با وسعت ۴۵ هزار هکتار در حد فاصل جاده سیرجان ـ بندرعباس و سیرجان ـ شیراز، با پوشش گیاهی بنه، کسور، بادام وحشی و گیاهان درمنه و گرامینه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. ارتفاعات این منطقه را کوه خواجوئی با ارتفاع ۲۹۱۲متر کوه سیاه ۲۷۴۵متر، کوه تونل ۲۵۱۲ متر تشکیل می‌دهند.

منطقه دشتی که چاه کاریز نامیده می‌شود، پوشش گیاهی نسبتاً خوبی دارد و هر چه از شمال بطرف جنوب پیش می‌رویم پوشش گیاهی که اکثراً درمنه، قیچ، بنه و بادام کوهی است افزایش می‌یابد بطوریکه در نزدیکی گردنه باغ جلال و چشمه خیار می‌توان تعداد زیادی درخت بنه، و بادام، و پوشش متراکم درمنه را مشاهده کرد.

حیات وحش منطقه نیز دارای حیوانات کل، بز، قوچ، میش، گرگ، آهو، پلنگ، کفتار، گورخر ایرانی، روباه، خرگوش و پرند گا نی چون کبک، تیهو، عقاب، هوبره و باقرقره است.





۱ - جمعیت و خصوصیات آن: جمعیت سیرجان در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۹۸۸۷۹ نفر اعلام گردیده که از این تعداد ۵۱/۳٪ مرد و ۴۸/۷٪ را زن تشکیل داده. تعداد خانوار ۳۹۲۶۵و بُعد خانوار ۵/۶ نفر برآورد شده. از کل جمعیت این شهرستان ۶۶/۹٪ شهری و ۳۳/۱٪ روستائی است که جمعاً ۹/۹٪ جمعیت ا ستان را تشکیل می‌دهد، تراکم آن نیز برابر ۱۴/۶ نفر در هر کیلومترمربع است.

از کل افراد باسواد شش سال به بالای این شهرستان ۵۱٪ مردان و ۴۹٪ را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین از کل افراد ۱۰ سال به بالا۴۸ درصد شاغل هستند. از کل جمعیت سیرجان، بیشترین تعداد مربوط به گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سالگی بوده که ۱/۸٪ جمعیت را شامل می‌شود. بالاترین درصد جمعیت در نقاط شهری در گروه سنی صفر تا ۴ ساله با۱۵/۳٪ و در نقاط روستائی در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله با ۱۴/۹٪ است.
۸۰/۶ ٪جمعیت سیرجان باسوادند که این رقم در نقاط روستائی۵۳/۲٪ و در نقاط شهری برابر ۸۴/۸٪ است.

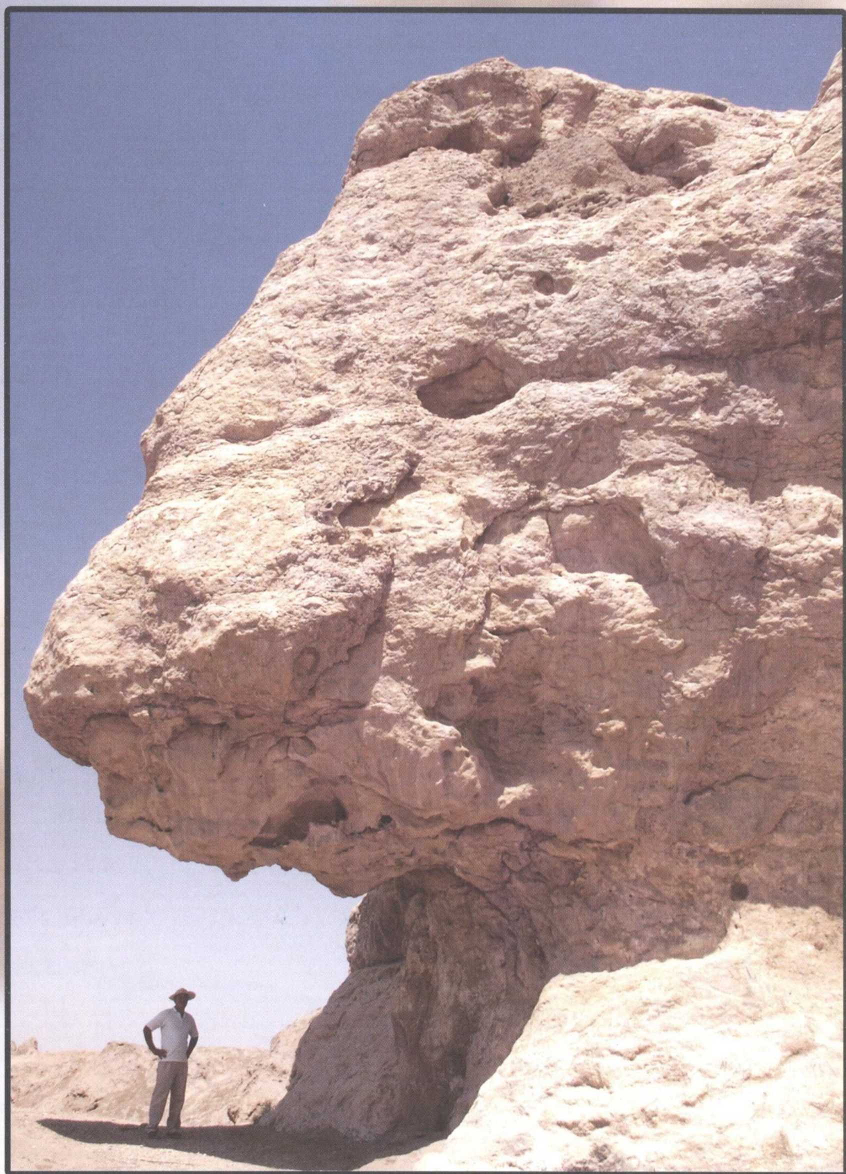
نرخ رشد جمعیت بین سالهای ۶۵ تا ۱۳۷۵ برابر ۱/۹درصد بوده است. یادآور می‌شود که رشد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستائی بیشتر است که بنظر می‌رسد این افزایش ناشی از مهاجرت باشد.
با استفاده از فرمول آینده‌نگری جمعیت سیرجان در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲۱۶۳۶۸ نفر است که از این تعداد ۱۱۰۹۴۵نفر را مردان و ۱۰۵۴۲۳ نفر را زنان تشکیل می‌دهند.

زبان و گویش مردم بومی شهرستان، فارسی با لهجه محلی است و تنها در دهستان بلورد، چهارگنبد و روستای تکیه، علاوه بر این به زبان ترکی نیز صحبت می‌کنند. برخی عشایر نیز همین وضعیت را دارا هستند. ۹۸ درصد جمعیت این شهرستان مسلمان و ۲ درصد پیرو سایر ادیان می‌باشند.

۲ - ایلات و عشایر: از جمله مشخصه‌های شهرستان سیرجان ایلاتی و عشایری بودن آنست زیرا وجود کوهستانها و شرایط مناسب کوچ، عده قابل توجهی از ایلات و عشایر را به این سمت کشانده. هر چند که در سالهای اخیر جمعی از ایلات و عشایر ساکن شده و یا بصورت نیمه کوچ زندگی می‌کنند.
قسمت‌های کوهستانی در شرق این شهرستان بعنوان ییلاق و نواحی گرمسیری در جنوب و جنوب غرب سیرجان بعنوان قشلاق مورد استفاده قرار می‌گیرد.



بازار



قلعه سنگ

مهمترین ایلات و عشایر این شهرستان عبارتند از:

- **ایل افشار**: این ایل یکی از ایلات عمده استان بوده و ترک زبان هستند. مهمترین طوایف این ایل در منطقه سیرجان عبارتند از چارچی‌نژاد - قاسم اولادی - امین اولادی - بیدشتی و صفی‌پور. «ایل افشار ۵۲ تیره می‌باشد» (جغرافیای کرمان ص ۱۹۸) مجدالاسلام کرمانی که از طایفهٔ افشار بود این طایفه را از تیرهٔ قاسملو می‌شناسد و می گوید، گروهی از آنان در حوالی ۹۱۶ ق یعنی زمان شاه اسماعیل به سرکردگی بهرام بیگ به کرمان آمدند.(حضورستان ص ۱۳۵)

- **ایل بچاقچی**: سابقه حضور این ایل به دوره نادرشاه باز می گردد که از آذربایجان به این منطقه کوچانده شد و در مناطقی از شرق و جنوب شرق سیرجان از جمله چهار گنبد، سوخته چال و بلورد مأوا گزید. مهمترین طوایف این ایل عبارتند از ارشلو - خرسلو - تکلّو - عباسلو - گوهرجی - کلا حلوائی - شاه نظری - چهارگنبد - جانی‌پور - سادات ناوکی - قراسعدلو - سادسعدلو - پوررضاقلی - پورحسینقلی - سوخته چالی و زینلی که بصورت کوچ‌نشینی زندگی می کنند.

مؤلف «ایل‌ها و چادرنشینان» وضعیت این ایل را از ۱۳۱۱ش چنین ذکر می کند «۱۳۱۱ش ۷۲۲ خانوار - ۱۳۱۵ش ۱۰۰۰ خانوار - ۱۳۱۷ش ۱۰۲۰ خانوار - ۱۳۴۲ش ۵۰۰ خانوار - ۱۳۴۴ش ۲۰۰۰ خانوار - ۱۳۵۳ش ۵۰۰ خانوار».(ص ۶۹۷)

در سفرنامه ابن بطوطه نیز از طایفه‌ای به نام ایل بچاقچی در حدود آذربایجان یاد شده «در سیواس کسان احمد بچاقچی به استقبال، آمدند».

- **ایل لری**: این ایل در اطراف رودخانه فریدونی و نواحی باغ خشک هفده چنار و منار سکونت دارند. این ایل نیز در زمان نادرشاه به منطقه کوچانده شد. زبان آنها فارسی و مذهبشان اسلام است. معروفترین طوائف این ایل عبارتند از میرزاحسینی - سهراب خانی‌رضائی - هفده چناری - حیدری.

- **ایل خراسانی**: این گروه به سادات منسوب به اسماعیل فرزند امام جعفر صادق ارادت خاصی دارند. و شامل تیره‌های نجمی - محمدی - فرابخشی - طاهری و یعقوبی هستند که در دو چاهی اسحاق‌آباد و نجف‌آباد سکونت دارند.

- **ایل قرائی**: به جز یکی از طایفه‌های آن که ترک زبانند، بقیه فارسی زبان بوده و پیرو مذهب تشیع می‌باشند. از طوائف مهم: کورکی - اسلاملو - عباس قرائی - شاه بداغی - یار احمدی - بیگلری - خواجه‌ای و حیدری قرائی را می توان نام برد.

ـ ایل رائینی: این ایل همانطور که از اسمش پیداست از راین کرمان به جوپار و سپس به سیرجان مهاجرت کرده‌اند و شامل ۱۱ طایفه هستند. قاسمی ـ محبی کلانتری ـ مراد رجبی ـ محبی ـ آشوری و میرشکارپور از مهمترین طوائف کوچ‌رو آنان بشمار می‌روند. زبان آنها فارسی و مذهبشان اسلام است . ایل یاد شده در زمان رضاشاه همواره در کشمکشهای سیاسی منطقه فعال بوده‌اند.

ـ ایل عطاءِالهی: این گروه نیز اعتقاد خاصی به سادات اسماعیلی دارند و در سیرجان، شهربابک و مزارع و حواشی این دو شهر زندگی می‌کنند.

ـ ایل آل سعدی: این ایل از ده بید فارس به پاریز آمده و ییلاق آنها سرکوه و سرچشمه ـ و نیز قشلاقشان قنات چنار پاریز و دوچاهی است در حال حاضر بیشتر افراد این ایل به رفسنجان مهاجرت کرده و یا در معادن مس سرچشمه مشغول به کارند.

ـ عرب بنی‌اسد: بنی اسد طایفه‌ای هستند که در سومین روز شهادت حضرت اباعبداله‌الحسین علیه‌السلام و یاران باوفایش، به جمع‌آوری شهدا و کفن و دفن آنها همت گماردند. جماعتی از این طایفه بعدها به سیرجان آمده و در این دیار سکونت گزیدند. مؤلف جغرافیای مملکت کرمان معتقد است «گروهی اندک‌اند و ساکن سیرجان». با توجه به خدمات ارزنده این گروه در ماجرای کربلا و عاشورا، برخی سلاطین صفویه، بنی‌اسد و بنی‌اسدی‌های سیرجان را از پرداخت مالیات و وجوهی از این قبیل معاف کرده و بر اساس اسناد موجود، حاکمان سیرجان را توصیه کرده‌اند تا با این گروه، در نهایت عزت و احترام برخورد کنند.

«بستگان پیغمبر دزدان و اصولاً اعراب بنی‌اسد در زیدآباد و سیرجان و رفسنجان به نامهای پیغمبرزاده و اسدی و بنی‌اسدی معروف هستند و گویا اسنادی و کاغذهایی نیز نزد آقای یحیی اسدی وجود دارد که آنان را به علت خدمت اجدادشان در دفن شهدای کربلا از پرداخت مالیات معاف کرده‌اند».(مار در بتکده ص۲۷۳)





محور اقتصاد سیرجان در گذشته کشاورزی و دامپروری بود، بخصوص گندم سیرجان که مرغوبیت و شهرت خاصی داشت. دامپروری بیشتر به وسیلهٔ عشایر صورت می‌گیرد. اما امروز وجود منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی سیرجان با وسعت ۱۳۷۰هکتار در مجاورت راه‌آهن سراسری یزد- سیرجان و فرود گاه دائر و فعال این شهر با کاربری‌های مختلف انبارداری کالا ـ فعالیتهای صنعتی ـ خدمات و پشتیبانی صنایع خدمات بازرگانی و گمرکی- و امکانات رفاهی و اقامتی، و در جوار آن، مجموعهٔ بزرگ گل گهر، چهرهٔ اقتصادی این شهرستان را دگرگون کرده است.

ـ کشاورزی ودامپروری: اگر چه کشاورزی سیرجان در گذشته از رونق برخوردار بود، اما قلت بارندگی بخصوص در هفت سال گذشته و بیلان منفی آبهای زیرزمینی دشت سیرجان بدلیل برداشت بی‌رویه و کاهش شدید آن که منجر به ورود آب شور به دشت‌های مجاور شده، کشاورزی سیرجان‌را جداً تهدید می‌کند. با این همه مهمترین محصولات این شهرستان عبارت است از: گندم، با ۹۹۰۰ هکتار زیر کشت و ۳۴۶۵۰ تن تولید- و پسته با ۲۸۰۰۰ هکتار سطح زیر کشت و ۳۵۰۰۰ تن تولید ـ و نیز جو ـ چغندر قند ـ سیب‌زمینی ـ گردو ـ بادام ـ انگور و برخی میوه‌جات دیگر.

دامداری سیرجان با کشاورزی آمیخته است، زیرا کشاورزان علاوه بر کار زراعت به پرورش دام نیز اشتغال داشته و درصد قابل توجهی از علوفه تولیدی به مصرف دام‌های منطقه می‌رسد. البته عشایر منطقه نیز در این مورد نقش عمده‌ای دارند. علاوه بر ۱۱۰ واحد مرغداری صنعتی، تعدادی مرغداری خصوصی نیز مشغول فعالیت هستند. در مناطق ییلاقی پرورش زنبور عسل به صورت مدرن و سنتی رایج است. وجود بیش از ۲۰۰ کندوی قدیمی و سنتی و بیش از ۱۵۰۰ کندوی مدرن، سالانه افزون بر ۱۵۰۰۰ کیلو عسل تولید می کنند.

ـ صنعت: شهرستان سیرجان طبق آخرین آمار تا کنون ۲۱۷ طرح با سرمایه‌گذاری ۲۶۳۴۵۲ میلیارد ریال و اشتغال ۱۳۱۲۹ نفر در بخش‌های مختلف در دست اجرا دارد. اهم پروژه‌های اخیر شهرستان در بخش‌های مختلف به این شرح است.

ـ کانه‌های فلزی: مس تخت گنبد، طرح کنسانتره مس با سرمایه‌گذاری ۴۶۷۳۵ میلیون ریال و اشتغال ۱۷۲ نفر.

- صنایع غذایی: کارخانجات تصفیه شکر با سرمایه‌گذاری ۱۳۶۴۶۴ میلیون ریال و اشتغال ۳۰۰ نفر.
- **صنایع تولید چرم و کفش:** طرح‌های پوشینه با سرمایه‌گذاری ۱۰۶۱۷۶ میلیون ریال و اشتعال ۱۲۷۶ نفر.

- **صنایع مربوط به کک و فرآورده‌های حاصل از نفت:** طرح تولید قیر و طرح تولید روغن‌های حاصل از تصفیه جمعاً با سرمایه‌گذاری ۱۸۳۳۶۳ میلیون ریال و اشتغال ۱۱۶ نفر.
- **صنایع شیمیایی:** طرح تولید ضدعفونی کننده، ویتامین‌ها و داروهای دامی، شرکت پتروشیمی سیرجان، طرح تولید گاز پلی‌پروپیلن، الکل متیلیک، پلی اورتان و گرانول پلی‌پروپیلن، طرح تولید اسیدفسفریک، سوپرفسفات ساده، سوپرفسفات تریپل و اسید سولفوریک جمعاً با سرمایه‌گذاری ۸۲۳۱۹۹۴ میلیون ریال و اشتغال ۲۳۱۳ نفر اشاره نمود.
- **کانی غیرفلزی:** مرمر سنگ سیرجان، تولید آجر سفال و بلوک سفالی سقف، تولید سیمان خاکستری، تولید شیشه جام، تولید بتن آماده با سرمایه‌گذاری ۳۴۹۶۳۰۷ میلیون ریال و اشتغال ۱۲۳۹ نفر.
- **فلزات اساسی:** طرح سنگ آهن گل گهر، تولید گندله، شرکت فلزات تزئینی آروین، تولید ورق و لوله استیل، تولید آهن اسفنجی، تولید شمش آهنی و فولادی، طرح ریخته‌گری قطعات چدن و فولاد، تولید شمش طلا جمعاً با سرمایه‌گذاری ۷۲۲۱۵۸۶ میلیون ریال و اشتغال ۲۰۲۲ نفر.
- **محصولات فلزی:** تولید قوطی فلزی با سرمایه‌گذاری ۴۰۰۰۰ میلیون ریال و اشتغال ۳۵۰ نفر به منظور تأمین قوطی مورد نیاز شرکت فرآورده‌های روغنی ایران.
- **ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات:** می‌توان به شرکت تراکتورسازی عمران سیرجان طرح تولید تراکتور باغی، طرح تولید بیل مکانیکی و لودر و طرح تولید چرخ خیاطی خانگی جمعاً با سرمایه‌گذاری ۹۹۷۹۸ میلیون ریال و اشتغال ۱۰۴ نفر.

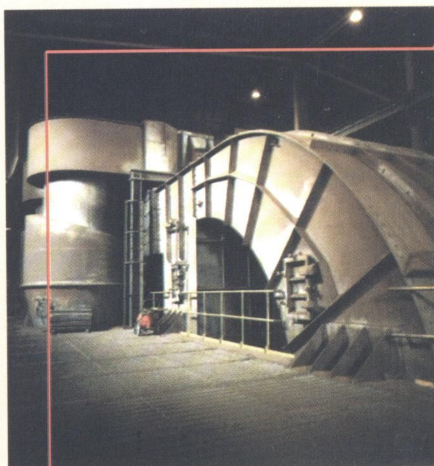
ضمناً تولیدی فعال شهرستان سیرجان ۱۳۳ واحد با سرمایه‌گذاری ۱۸۰۷/۸ میلیارد ریال و اشتغال ۴۸۶۷ نفر می‌باشد.

- **صنایع غذایی:** واحدهای شرکت فرآورده‌های روغنی ایران: روغن نباتی جامد، تولید انواع اسانس و سایر افزودنی‌های غذایی، شرکت نمک طعام سیرجان، تولید نمک طعام یددار و نیز خدمات سردخانه‌ای در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان جمعاً با سرمایه‌گذاری ۵۸۲۵۵۸ میلیون ریال و اشتغال ۶۵۹ نفر از مهم‌ترین واحدهای فعال این شهرستان می‌باشد.
- از واحدهای فعال بخش نساجی می‌توان به واحدهای تصفیه پنبه و تولید روسری جمعاً با سرمایه‌گذاری ۸۱۳۰ میلیون ریال و اشتغال ۹۶ نفر اشاره نمود.

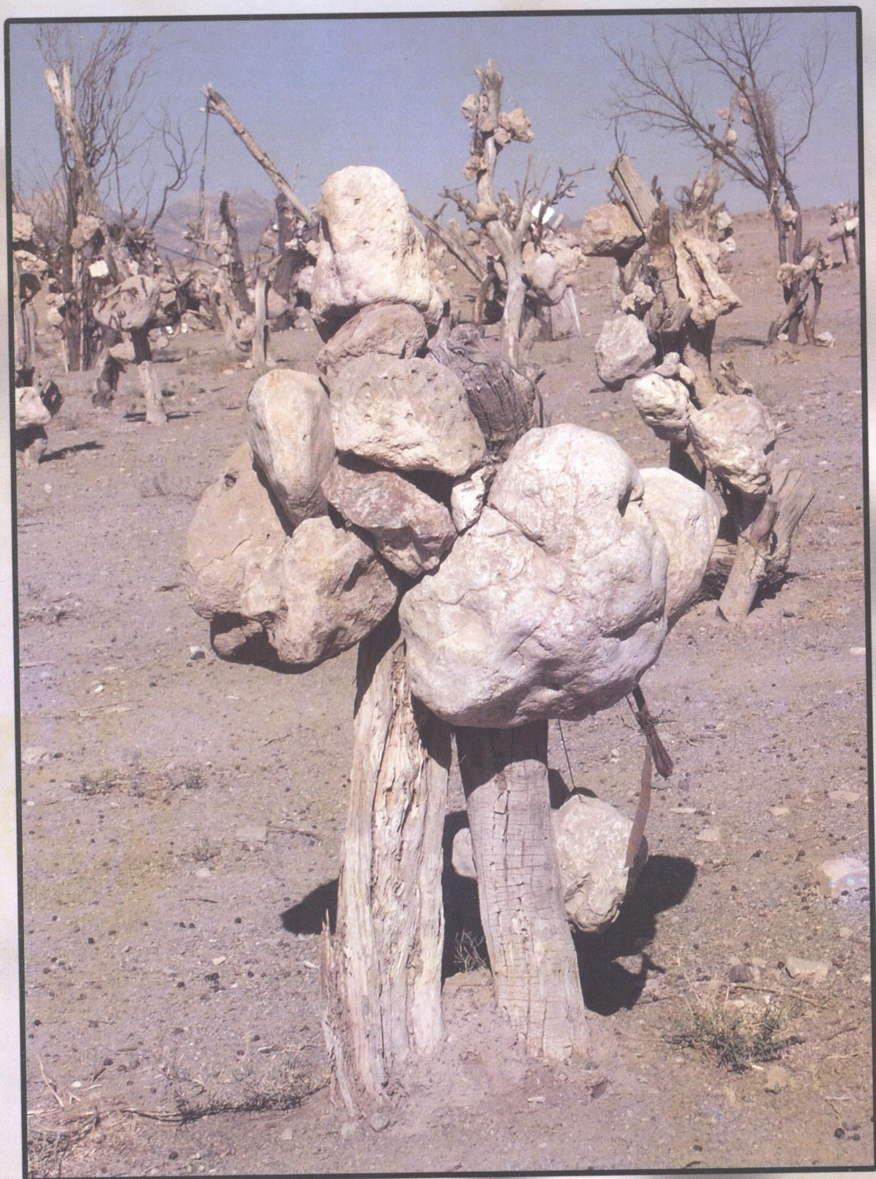
ـ معادن: سیرجان به علت تقسیمات زمین‌شناختی و پیکره زمین‌شناسی، طیف وسیعی از سنگ‌های رسوبی، آذرین و دگرگونی را در خود جای داده و پتانسیل‌ها و اندیس‌های متعددی را به مرحله اکتشاف و بهره‌برداری رسانده، این وضعیت موجب شده تا سیرجان از نظر معدن غنای خاصی را دارا باشد بخصوص معادن گل‌گهر که از جمله پشتوانه‌های اقتصادی کشور نیز به شمار می‌رود.

ـ معادن سنگ چینی سیرجان نیز از مرغوبیت خاصی برخوردارند. معادن فعال دیگر عبارتند از: سنگ مرمر، سنگ آهک، سنگ گچ، معدن نمک، مرمریت، دولومیت و مس (معدن چهارگنبد در ۸۰ کیلومتری شمال‌شرقی سیرجان).

ـ **مجتمع گل گهر**: این معدن در ۵۰ کیلومتری جنوب غرب شهر سیرجان و در مسیر راه سیرجان به شیراز قرار گرفته. سابقهٔ بهره‌برداری از این کانسار قدیمی بیش از ۲۰۰۰ سال است. بهره‌برداری به صورت امروزی در سال ۱۳۸۴به وسیلهٔ شرکت ایران باریت انجام شد. در سال ۱۳۷۰ شرکت گل‌گهر با مشارکت شرکت ملی فولاد ایران و بانک سپه تأسیس و هم‌اکنون کار بهره‌برداری از آن ادامه دارد. در پی مطالعات ژئوفیزیک هوائی، در محدوده‌ای به وسعت ۷۲ کیلومتر مربع، معادن شش گانهٔ سنگ آهن جمعاً ۱۱۳۵ میلیون تن ذخیره دارد که در نوع خود کم‌نظیر است.



گل گهر



باغ سنگی

تاریخ سیرجان، همچون مام خود کرمان، سرشار از فراز و فرود، و حوادث تلخ و شیرینی است که متأسفانه فصل‌های تلخ آن بر شهد و شیرینی‌اش برتری دارد. جنگ‌ها، قحطسالی‌ها، قتل عام‌ها، و دربدریهای مردم این دیار، تاریخ سیرجان را حال و هوائی غم‌آلود بخشیده، اما این همه، سند عزت و افتخار مردمی است که با صبوری در برابر تمامی سختی‌ها ایستادند و صحیفه پایداری خود را رقم زدند.

قدیمی‌ترین سند تاریخی درباره سیرجان، نوشته ابن اثیر است که می نویسد:

«گشتاسب که یکی از پادشاهان قدیم ایران بود و دین سلیمان را داشت، دین زرتشت را پذیرفت و در کوهستانی که «تمبور» نام داشت جای گرفت و در حالت تقیّه به عبادت مشغول شد». به عقیده استاد باستانی پاریزی، این کوه همانست که در مشرق سیرجان و حدود چهار گنبد قرار گرفته و بهمین نام مشهور است.

حمداله مستوفی نیز در تاریخ گزیده به گونه‌ای همین موضوع را بیان کرده و می‌نویسد: «گشتاسب دین گبری پذیرفت و ایرانیان را الزام نمود تا گبری اختیار کنند» برخی مورخین قدمت سیرجان را به دوره بلاش اشکانی نسبت می‌دهند.

ژان گور در کتاب خواجه تاجدار نیز تاریخ سیرجان را به دوره هخامنشیان پیوند می‌دهد و از ده محله آن یاد می کند. مقدسی نیز سیرجان را یکی از چهار ولایت کرمان می‌داند. افضل کرمانی صاحب عقدالعلی در قرن ششم ق «سیرجان را ولایتی معظم می‌داند و از قول ارباب تصوف این دیار را «شام» کوچک می‌خواند و از قلعه‌های حصین آن سخن می گوید».

یاقوت حموی نیز در قرن هفتم سیرجان را دومین شهر کرمان می‌داند. سیرجان در زمان آل بویه از رونق خاصی برخوردار بوده و در زمان صفاریان قنوات متعدد در آن حفر شد. در زمان دیلمیان قصری در آن احداث گردید و در عصر عباسیان شهری بزرگ با جمعیتی قابل توجه بوده.

وجود سیرجان بر سر راه‌های کرمان ـ فارس، بندرعباس، یزد و اصفهان و برخورد فرهنگ‌های مختلف موجب شد تا سیرجانی‌ها در طول تاریخ در زمینه فرزانگی و شعور اجتماعی شهره باشند آنطور که صاحب «احسن التقاسیم» آنانرا مردمی فهیم و دانشمند معرفی می کند.

مؤلف کتاب جهان نما که به سال ۱۰۵۸ بوسیله یک مورخ ترک بنام مصطفی‌بن‌عبداله نوشته شده درباره

سیرجان می‌نویسد «این شهر دیوان و بازارهای مرتبی دارد، مردمش غالباً غنی، مالدار و تاجر پیشه‌اند، زنانش بسیار زیبارویند».

مؤلف تاریخ کرمان نیز معتقد است «اسکندر به سال ۳۲۶ قبل از میلاد در مراجعت از هندوستان از قلعه سنگ که محل قدیم شهر سیرجان است عبور کرده و از طریق بوانات به پاسارگاد رفته است».

سیرجان در زمان ساسانیان مرکز ایالت کرمان بوده و در نیمه دوم قرن چهارم، علی‌بن الیاس، مرکزیت را از سیرجان به کرمان انتقال داد. سرانجام علی بن الیاس مخلوع و پسرش یَسَع به حکومت سیرجان دست یافت.

«لسترنج» نیز با اشاره به همین موضوع می‌نویسد: «سیرجان کرسی اسلامی قدیم کرمان در زمان ساسانیان نیز شهر عمده آن ایالت بود و جغرافی‌نویسان عرب، آن را «السیرجان» و «الشیرجان» نوشته‌اند ... سیرجان پس از آمدن اعراب، کماکان مرکز اسلامی ایالت کرمان باقی ماند، تا این که در اواسط قرن چهارم هجری، حاکمی که از طرف «آل‌بویه» برای کرمان تعیین گردید و «ابن الیاس» نام داشت ، بعلت نامعلومی کرسی ایالت کرمان را از سیرجان به شهر کرمان منتقل ساخت».(جغرافیای تاریخی شهرها ص ۳۹۴)

در سال ۳۱ ق عبدالله بن عامر پسر خاله عثمان به حکومت فارس و یزد و کرمان و خراسان منصوب شد و برای تعقیب یزدگرد سوم عازم کرمان شد. عبدالله، مجاشع‌بن‌مسعود سلمی را برای فتح سیرجان فرستاد، اما سرمای شدید، لطمه سنگینی به آنها زد، عبدالله خشمگین شده خود با لشکری عازم سیرجان شد و آنجا را فتح کرد و چنین بود که سیرجان تا زمان روی کار آمدن یعقوب لیث صفاری به سال ۲۵۵هجری قمری در تصرف خلفای اموی و عباسی قرار داشت.

در سال ۷۹۶ هجری قمری، اید کو سردار بی‌ترحم تیمور، سیرجان آباد و پررونق آن روز را محاصره کرد و پس از فجایع بسیار، آنرا با خاک یکسان نمود، در آن زمان، مکان شهر سیرجان «قلعه سنگ» بود. پس از این جنایت، از باقیمانده مردم ستم کشیده سیرجان و در ازاء آزادی هر نفر ده دینار کپکی اخذ و آنها را به باغ بمید منتقل کردند.

مردم پرتوان و سازنده سیرجان، با فراموشی گذشته خود، روی خرابه‌های شهر بمید، آبادیها بنا کردند، بازار و مسجد و کاروانسرا ساختند و زندگی مجدد خود را آغاز کردند. اما اینبار مورد حمله ناجوانمردانه محمود افغان واقع شدند، آنگونه که شهر تاراج و ویران و عدهٔ زیادی از گرسنگی و قحطی کشته شدند. تا اینکه میرزا سعید کلانتر، در جنوب باغ بمید، دهی را آباد و نام آنرا سعیدآباد گذاشت دهی که شهر فعلی سیرجان است.

یعقوب لیث پس از شکست طوق بن مفلس که پیش از او بر اریکه حکومت تکیه زده بود،

حکومت سیرجان را بدست گرفت. سیرجان در عهد صفاریان کرسی ایالت کرمان بود. یعقوب لیث با برادرش علی روی به سیرجان نهاد و پس از زد و خوردهایی نواحی آن حدود را منظم ساخته دسته‌هایی از سپاهیان را در بین راهها گذاشت.(یعقوب لیث ص۲۸۹)

در زمان آل الیاس و آل بویه نیز سیرجان همواره صحنه نبرد و ستیز بوده در عهد دیلمیان و به سال ۳۲۴ ق که معزالدوله سپاهیان خود را برای تصرف ایالت کرمان گسیل داشت، این ایالت خصوصاً سیرجان را از آن خود می‌دانستند.

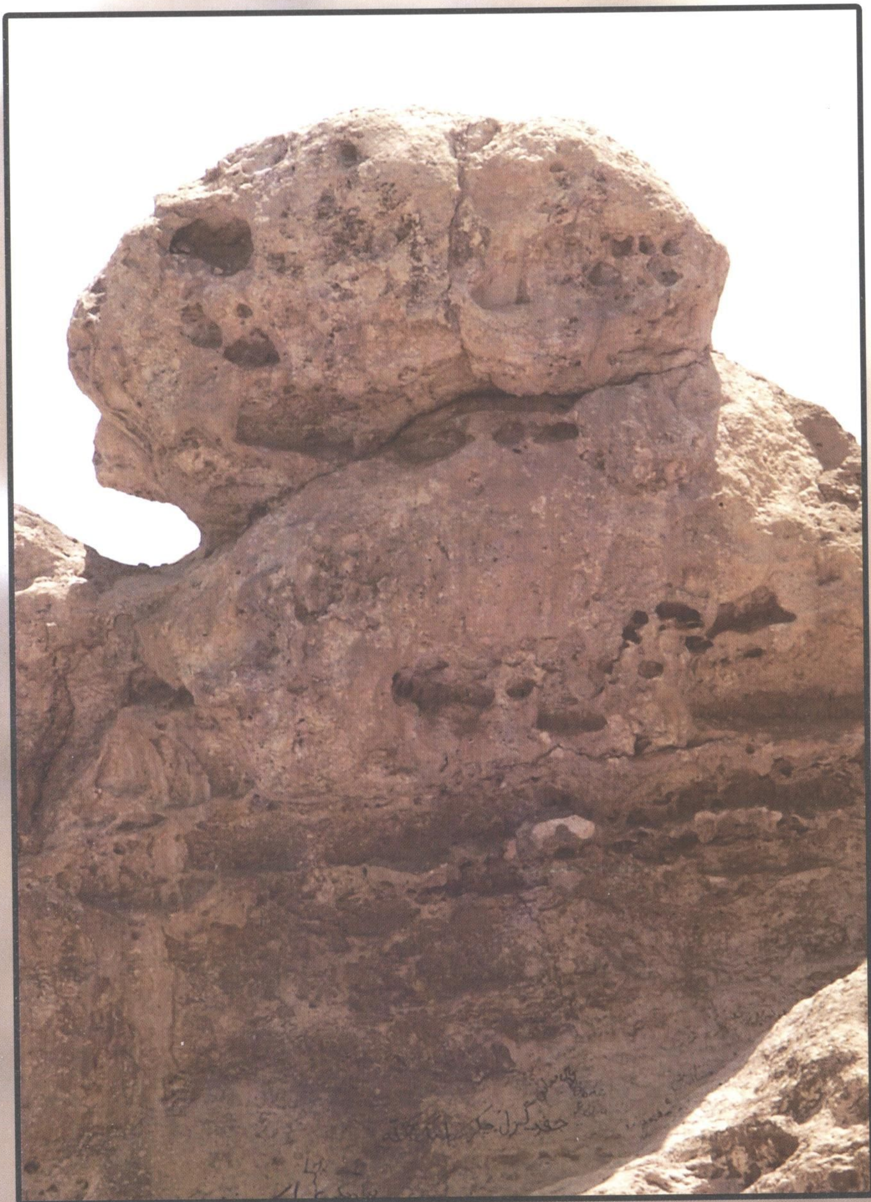
در زمان آل مظفر و به سال ۷۴۴ق سیرجان در دست مولانا شمس‌الدین صاین قاضی بود. در سال ۷۴۵ شیخ ابواسحاق اینجو تصمیم به تسخیر سیرجان گرفت.

با افول دولت افشار، کریم‌خان زند به حکومت ایران رسید و کرمان را به دو بخش تقسیم کرد، قسمت شرقی را به میرزا حسین راینی و غرب را به علی‌خان کرانّی سپرد. اگر چه میرزا حسین، توفیق چندانی نداشت، اما آقا علی سیرجانی در سهم خود موفق بود.

پس از جنایات آقامحمدخان قاجار در کرمان، سیرجان نیز از این فجایع بی‌بهره نماند. حمایت محمدرضاخان کرانّی حاکم سیرجان از لطفعلی‌خان به هنگام عبور او از سیرجان، موجب شد تا خان کینه‌توز باباخان را که نایب السلطنه بود، مأمور فتح سیرجان کند. سرانجام محمدرضاخان کرانی، پس از رنج‌ها و دربدریهای بسیار دستگیر و گردن زده شد.

در زمان سلاطین عشره و با وجود حاج رشید، حسین‌خان بچاقچی، شکوه سلطان بلوردی و نقش آفرینان دیگر این ماجرا مانند امیر اعظم، غُنجعلی‌خان و... سیرجان حوادثی را پشت سر گذاشت.

در جنگ جهانی دوم و شهریور ۱۳۲۰ سیرجان محل عبور رضاشاه از کرمان به بندرعباس و از آنجا به جزیره موریس بود. رضاشاه همراه چند اتومبیل ارتشی، در حالیکه دستمال سفیدی بر سر بسته بود، از راه سعادت‌آباد به سیرجان رسید، او شب را در باغ حاج رشید سپری کرد و فردای آنروز براه خود ادامه داد. قحطی و درماند گی مردم سیرجان را در آن سالها نیز نباید از نظر دور داشت، سالهائی که مردم، هسته خرما را آرد کرده و می‌خوردند. در میان اینهمه اندوه و مصیبت، ایستادن و مقاومت و پایداری افتخاریست که می‌توان و باید برای مردم سیرجان در گذر تاریخ منظور کرد.



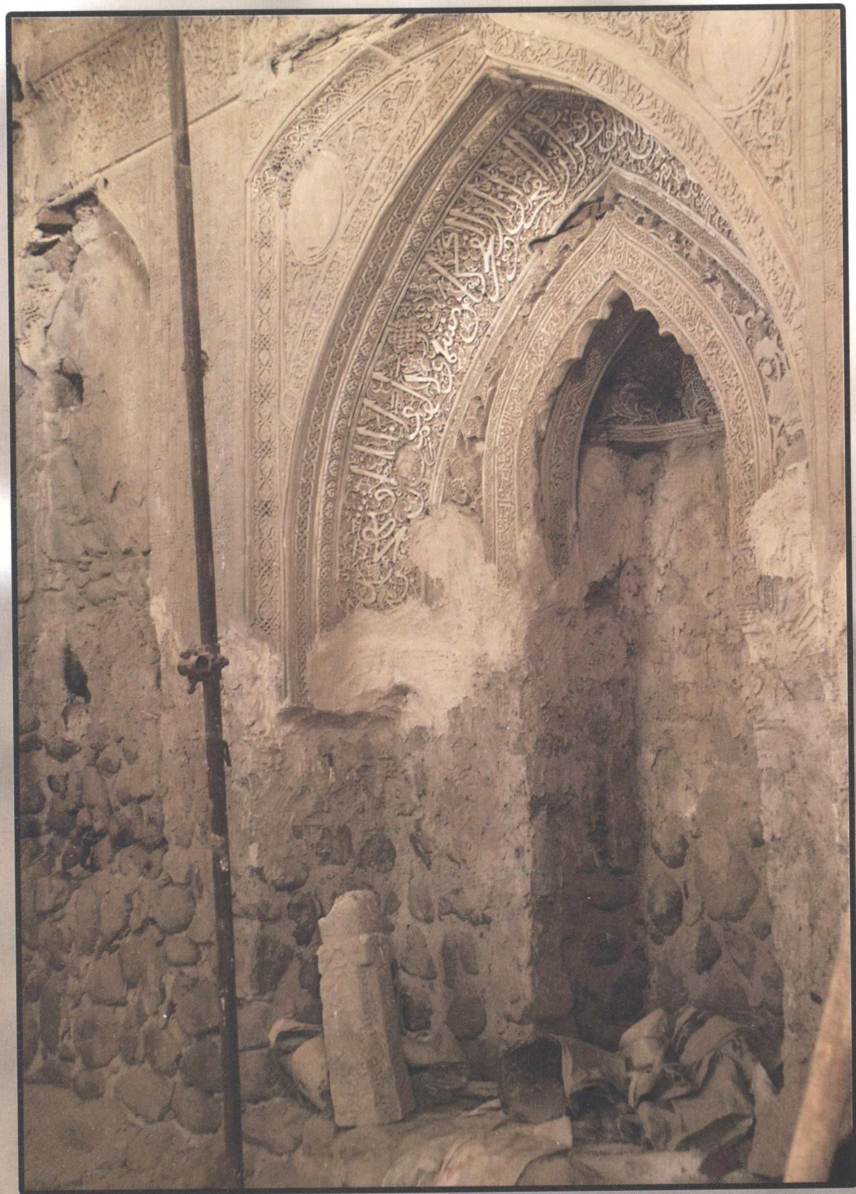
قلعه سنگ

وجه تسمیه:

درباره وجه تسمیه سیرجان نظرات مختلفی اظهار شده، آقای کاظم آقابخشی محقق و نویسنده معاصر در هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی نام سابق سیرجان را شهریجان ذکر کرده (سی گفتار درباره کرمان) مؤلف کتاب «با من به کرمان بیائید» نام سابق آنرا شیراجان عنوان کرده (ص۴۵چاپ ۱۳۶۸). در کتاب سرزمین و مردم ایران(ص ۶۶۰تا۶۶۴) نام سابق آن سیرگان آمده که با ورود اعراب به ایران، این نام معرّب و به سیرجان تبدیل گردید. مؤلف کتاب سیرجان در آئینه زمان (ص۹) معتقد است که سیرجان بواسطه ۱۲۰۰۰ قنات پا به قبله به سیرگان معروف بوده که معرّب آن سیرجان است. و بالاخره نام‌های دیگری مانند شیرگان و سمنگان برایش ذکر گردیده.

قلعه قدیمی محمودآبادسید





میرزبیر

چنین پیداست که سیرجان در گذشته از جاذبه‌های گردشگری بسیار برخوردار بوده. «مقدسی» در این باره می‌نویسد: «بازارهای زیبا و خیابان‌های گشاده، باغ‌ها با آب روان، دیوارها بلند، ثروت بسیار، ویژگی‌ها و هنرها، و جامعی زیبا با گلدسته دارد. شهر بزرگ و بارو دارد. دلگشا و پهناورتر از شیراز است. هوایش معتدل، آبش سالم، خوراکی‌های پاکیزه، میوه‌ها متضاد، و خیرات بسیار است... هشت کوچه دارد... دو بازار کهنه و نو دارد که جامع در کناری میان آن دو است. عضدالدوله گلدسته‌ای شگفت‌آور در میان آن برپا داشته، بر بالای آن دستگاهی پیچیده چوبین نهاده که بخشی از آن می چرخد». (احسن التقاسیم ص ۶۸۵)

اگر چه باغ‌های دلگشائی که مورخ از آن نام می‌برد، امروز به پسته‌زار تبدیل شده و از رونق سابق کاسته و بر رونق اقتصادی افزوده، معذالک وجود چندین اثر تاریخی ارزشمند و جاذبه‌های دیگر، رونق گردشگری سیرجان را همچنان محفوظ نگه داشته. طرح‌های در دست اقدام برای بازسازی آثار در حال تخریب و سرمایه‌گذاری در بخشهای دیگر گردشگری، آیندهٔ روشنی را نوید می‌دهد.

معروفترین آثار تاریخی و جاذبه‌های گردشگری سیرجان عبارتند از:

۱ـ قلعه سنگ: این بنا بر روی کوه سفید آهکی که در وسط جلگه سیرجان و با ارتفاعی حدود ۲۰۰متر از سطح جلگه قرار دارد، واقع شده. محیط آن ۴۰۰۰ متر است. این قلعه نظامی بوده و ساختمانهای شهر در اطراف آن بنا گردیده‌اند. در قسمت جنوبی این قلعه، خانه‌های اعیان و اشراف قرار داشته. همچنین در این قلعه زندانیان نگهداری می‌شدند، آنطور که امیرمبارزالد ین محمد مظفر، خلف بن احمد و سلطان شاه نیز در آن زندانی بوده‌اند.

۲ـ منبر سنگی: در قسمت شمال قلعه سنگ، مسجدی واقع بوده و منبری از سنگ در آن قرار داشته که در نوع خود بی‌نظیر است از روی اثری که در سطح جنوبی این منبر، با خط نسخ نوشته شده و اکنون نیز قابل خواندن است، معلوم می‌شود که مسجد در زمان سلطان احمد مظفری بنا گردیده. تاریخ آن نیز ۷۸۹ هجری قمری ذکر شده به عقیده استاد باستانی پاریزی این مسجد با مسجد پامنار کرمان، عمری یکسان دارد.

سرپرسی سایکس در کتاب ده هزار مایل در ایران که به سال ۱۹۰۰ میلادی نوشته شده درباره منبر سنگی چنین آورده که: در داخل بنا، منبر سنگی قشنگ ظریفی است که پنج پا ارتفاع داردودر

یک طرف آن چهار سطر به خط نسخ روی آن منقور و سطر پنجم آن محکوک و از بین رفته است . ملاّی ده می گفت این منبر را به امر سلطان عمادالدین احمد از امرای مظفریان کرمان در سال ۷۸۹ هجری قمری(۱۳۸۷ میلادی) بنا نموده‌اند.

- سایر قلعه‌ها و برج‌های قدیمی: در جای جای سیرجان، قلعه‌ها و برج‌هائی است که در گذشته و هنگام هجوم و حمله متجاوزین، به‌عنوان دیده‌بانی از آن‌ها استفاده می‌شد. از معروف‌ترین این بناها می‌توان از:

- قلعه قدیمی محمودآباد سید، برج و مَزُغَل محمودآباد، برج و کاروانسرای صفوی سعادت‌آباد، برج چهارپهلو، قلعه درویش زیدآباد که دیوارهای نیمه مخروبه آن هنوز برجاست.

- برج‌های دوقلو عمارت فاطمی‌نسب، قلعه کهن و دروازه ورودی جنت‌آباد در ۱۰ کیلومتری جاده سیرجان، بافت، قلعه علی‌آباد در شرق سیرجان قدیم که هنوز آثاری از آن برجاست، قلعه یحیی‌آباد روبروی قلعه سنگ و قلعه حصار.

قلعه کرّان: محمدحسن زیدآبادی ملقب به پیغمبر دزدان از قلعه کرآن نام می‌برد و دو چهره معروف تاریخ این دیار را نیز معرفی می کند «کرآن» نام دهی است که با قلعه‌ی پایین و بالا معروف است. قلعه‌ی بالا تا زمان قاجار آباد بود و هنگام حمله‌ی آقامحمدخان به کرمان، بر اثر مقاومتی که محمدرضاخان کرانی و خواجه محمدزمان پاریزی پسر خواجه محمدحسین بعمل آوردند و منجر به قتل محمدرضاخان و گرفتاری خواجه پاریز شد، درنتیجه قلعه کرآن نیز از میان رفت و فقط چاه محمدرضاخانی که ظاهراً محمدرضاخان به داخل قنات پناه برده بود و از آن چاه بالا رفته و فرار کرده و کندر محمدرضاخانی که محل گرفتاری او بوده از آن عهد به یادگار مانده است.(ص ۲۵۹)

۳ - شاه فیروز: این اثر ارزشمند تاریخی که در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان قرار گرفته، از بناهای چهار طاقی، با هشت ستون و سقف گنبدی است. این بنا بر بالای تپه‌ای در کنار جاده سیرجان - بافت و در سه کیلومتری شرق امامزاده علی و قلعه سنگ واقع شده.

برخی به اشتباه افسانه گنبد جبلیه کرمان را به این بنا نیز نسبت داده و بر این عقیده‌اند که در ساخت آن از شیر شتر استفاده شده. چهار ستون این ساختمان خراب شده و فرو ریخته، اما قسمتی از گنبد آن هنوز بر روی چهار ستون مستحکم دیگر باقیمانده. پوشش داخلی سقف به شکل بناهای اسلامی تزئین و ساخته شده. با اینهمه، عده‌ای بر این عقیده‌اند که این مکان، مقبره ابوکالیجار، پسر عضدالدوله دیلمی است که در اثر خوردن گوشت آهو بیمار و در این محل درگذشته.

یک ضرب‌المثل هم در مورد شاه فیروز هست که می گویند، فلانی مثل شاه فیروز است نه کور می کند نه شفا می دهد.

قوم شول که در زمان انوشیروان و بعلت عدم اطاعت از او قتل عام شده و تنها هشتاد نفر از آنها باقی ماندند، در نزدیکی همین بنا و در امیرآباد و دارستان مسکن دارند.

٤ـ میرزبیر: اگر چه بنا به نوشته برخی کتب تاریخی و بر اساس روایات، قدمت این بنا به قبل از اسلام برمیگردد لکن چنین بنظر می‌رسد که این اظهار نظر درست نبوده و تاریخ ساخت این بنا قرن هشتم و زمان آل مظفر است گچ‌بریهای آن نشان می‌دهد که هیچگونه رابطه‌ای بین این اثر و آثار باقیمانده قبل از اسلام وجود ندارد. پس از احداث میرزبیر و با فاصله‌ای نه چندان دور، شخصی به نام «عبدالله» این بنا را تعمیر کرده تاریخ تعمیر ۷۵۱ هجری قمری ذکر شد که این تاریخ تقریبا" همزمان با سال احداث مسجد جامع کرمان است. احتمالا" همین نکته که در کتیبه میرزبیر نیز آمده، موجب شده تا عده‌ای آنرا از آثار قبل از اسلام بدانند که در آن تاریخ تعمیر شده است.

این اثر بر فراز تپه‌ای در کنار قنات شریف‌آباد قهستان بنا گردیده. قسمت پائین آن چهار ضلعی با ابعاد ۹ متر است. دیوارهای آن ۲متر قطر دارند و فضای داخل آن۷/۷متر و ارتفاع آن تا پای گنبد ۸ متر است

از جمله قسمت‌های بسیار زیبا و دیدنی این مجموعه گچ‌بریهای اطراف محراب است که بگونه‌ای استادانه، آیاتی از قرآن کریم را نشان می‌دهد.

۵ـ کاروانسراها: رونق اقتصادی سیرجان در گذشته موجب احداث کاروانسراهائی شده بود که معروف‌ترین آنها عبارتند از کاروانسرای آقاابراهیم، کاروانسرای لاری‌ها، کاروانسرای تخشید، کارونسرای سیدابوالحسن نبوی، کاروانسرای سرهنگی، کاروانسرای نشاط، کاروانسرای گدارخانه سرخ، کاروانسرای پاریز که سال‌ها محل استقرار ژاندارمری بود و کاروانسرای گلو، بین راه سیرجان به کرمان که بانی آن حاج‌غلامرضا زیدآبادی است.

اکثر این کاروانسراها رو به ویرانی هستند و بعضاً از حجره‌های پر رونق دیروز، به‌عنوان انباری استفاده می‌شود، در میان کاروانسراهای یاد شده، مجموعه‌هائی وجود دارد که از ارزش خاصی برخوردارند.

ـ کاروانسرای آقا ابراهیم: در قسمت جنوبی بازار آقا ابراهیم در بزرگ چوبی با گل‌میخ‌های بزرگ آهنی، جلب توجه می‌کند. این در به دالانی نسبتاً طولانی منتهی می‌شود که ورودی کاروانسرای آقا ابراهیم است. در همین راهرو، روی دیوار شرقی آن کتیبه‌ای از سنگ به طول یک متر و عرض ۴۵ سانتی‌متر با زمینه آبی و خطوط حجاری شده به رنگ سیاه، دیده می‌شود. تاریخ این کتیبه درپایان آن «فی شهر رمضان المبارک ۱۳۲۲ » نوشته شده وقدمتی یکصدساله را نشان می‌دهد.

زمان تحریر این کتیبه، حکومت سیرجان را شخصی به نام رستم‌خان عهده‌دار بوده، مضمون کتیبه از اینقرار است که «چندی قبل از نوشتن کتیبه مالیات قپانداری و سیورساتی را تخفیف داده و موقوف داشته‌اند و با آوردن این سنگ نوشته به سیرجان و نصب آن در یک مرکز تجاری، مالیات دلالی و راهداری را تخفیف داده و موقوف داشته‌اند، امیرالامرا «رستم‌خان» حاکم سیرجان دیگر چیزی به این اسم و رسم مطالبه نمی کند».

با توجه به تاریخ این سنگ نوشته، چنین پیداست که زمان آن با فریاد مشروطه‌خواهی ملت ایران همراه بوده و تخفیف در راهداری و قپانداری و نظیر آن، در واقع به عنوان حق‌السکوت در نظر گرفته شده بود، و بار مشکلات را نیز کاهش داده.

- کاروانسرای سعادت‌آباد: این کاروانسرا با قدمتی قریب ۱۵۰ سال از قدیمی‌ترین بناهای این منطقه به‌شمار می‌رود. سازنده این بنا غلامحسین بنا زیدآبادی بوده است. واقف این بنا برای حفظ و نگهداری آن شش حبه از آب قنات و اراضی سعادت‌آباد را به این امر اختصاص داده است. بر سردر این کاروانسرا، کتیبه‌ای است که روی آن نوشته شده «محض ابقای این آثار خیر الی یوم القیمه بانی این بنا شش حبه از نود و شش حبه سعادت‌آباد ملک خود را وقف بر این بنا نمود که بعد از وضع مالیات، سالی هشت تومان صرف آب و آش تکیه سعادت‌آباد و کرآن نمایند. بقیه را محض صرف تعمیر این رباط و رباط پای گدار کرمان منظور دارند و نگذارند طایفه فیوج منزل کنند و گاو و گوسفند جای دهند».(تاریخ سیرجان، ص ۱۷۰)

۶ - بازارهای سیرجان: بازار اصلی سیرجان از قدمتی قریب ۱۵۰ سال از جمله اماکن تاریخی و اقتصادی این شهر است که با سقف‌های گنبدی و نمای زیبای قدیمی، از جلوه‌های شهر سیرجان به‌شمار می‌رود. در انتهای این بازار، دبستان احمدی قرار دارد که نخستین مدرسه به سبک جدید در سیرجان است و در سال ۱۲۹۵ هجری قمری در زمان احمدشاه بنا شده است، در جوار آن مسجدی قرار دارد که هنوز محل عبادت کسبه است. به این ترتیب می‌توان گفت، بازار سیرجان نه فقط پایگاه اقتصاد، که روزگاری محور فرهنگ و ایمان نیز بوده است.

هم اکنون اسنادی موجود است که نشان می‌دهد بیش از صد سال قبل برخی کسبه این بازار در هر سال قریب ۳۰ تومان مالیات می‌پرداخته‌اند (تاریخ تمدن و فرهنگ سیرجان، ص ۳۵۰) که این خود از رونق کسب و کار در آن روزگاران خبر می‌دهد.

- سایر بازارهای سیرجان: عبارتند از بازار کهنه که بیشتر محل فروش خشکبار است، بازار نوعرضه کننده پارچه ومنسوجات، بازارعباس دارابی، بازار رحیمی، بازار مسگرها، بازار کلاه‌مال‌ها، بازارعلاف‌ها، تیمچه صدر (محل عرضه قالی وریس)، میدان نخودبریزی، میدان تخت کشی و بالاخره بازار آقاابراهیم که کاروانسرای معروف و قدیمی او نیز در همین بازار قرار دارد.

۷ـ **مساجد و اماکن متبرکه:** وجود قریب ۵۰ مسجد در سیرجان، نشانی از اعتقاد و باور مذهبی مردم به‌شمار می‌رود.

ـ **مسجد حاج غلامحسین‌خان:** این مسجد که عده‌ای به اشتباه آن‌را قدیمی‌ترین مسجد این شهر می‌دانند، در انتهای بازار مسگری جنب دبستان بدر قرار گرفته و نام دیگر آن (اعظم) است. بنای آن بین سال‌های ۱۲۲۴ - ۱۲۲۰ هجری قمری بوده است و بانی آن حاج‌شیخ عبدالمحسن احسائی است که خود نیز در جوار این مسجد مدفون است. وسعت اولیه مسجد ۱۵ × ۱۲ متر بوده است. این مسجد به همت حاج‌غلامحسین خان که از نوادگان دختری مرحوم احسائی است گسترش یافته است.

ـ **مسجد جامع (مسجد حاج‌سبزعلی):** این مسجد در خیابان امام، جنب بازار قرار دارد و به رغم وجود مساجد قدیمی‌تر، معذالک از آن به عنوان مسجد جامع یاد می‌شود. بانی این مسجد مرحوم حاج‌سبزعلی دارابی یکی از تجار خیّر ساکن سیرجان و اهل داراب فارس است که علاوه بر این، حمامی در مقابل مسجد قطبی ساخته بود که خراب شده وی تعدادی از مغازه‌های خود را نیز وقف مسجد کرده که اینک از همان محل، طرح گسترش مسجد در دست اجراست. این بنا در حدود سال‌های ۱۲۶۲ هجری قمری احداث شده است.

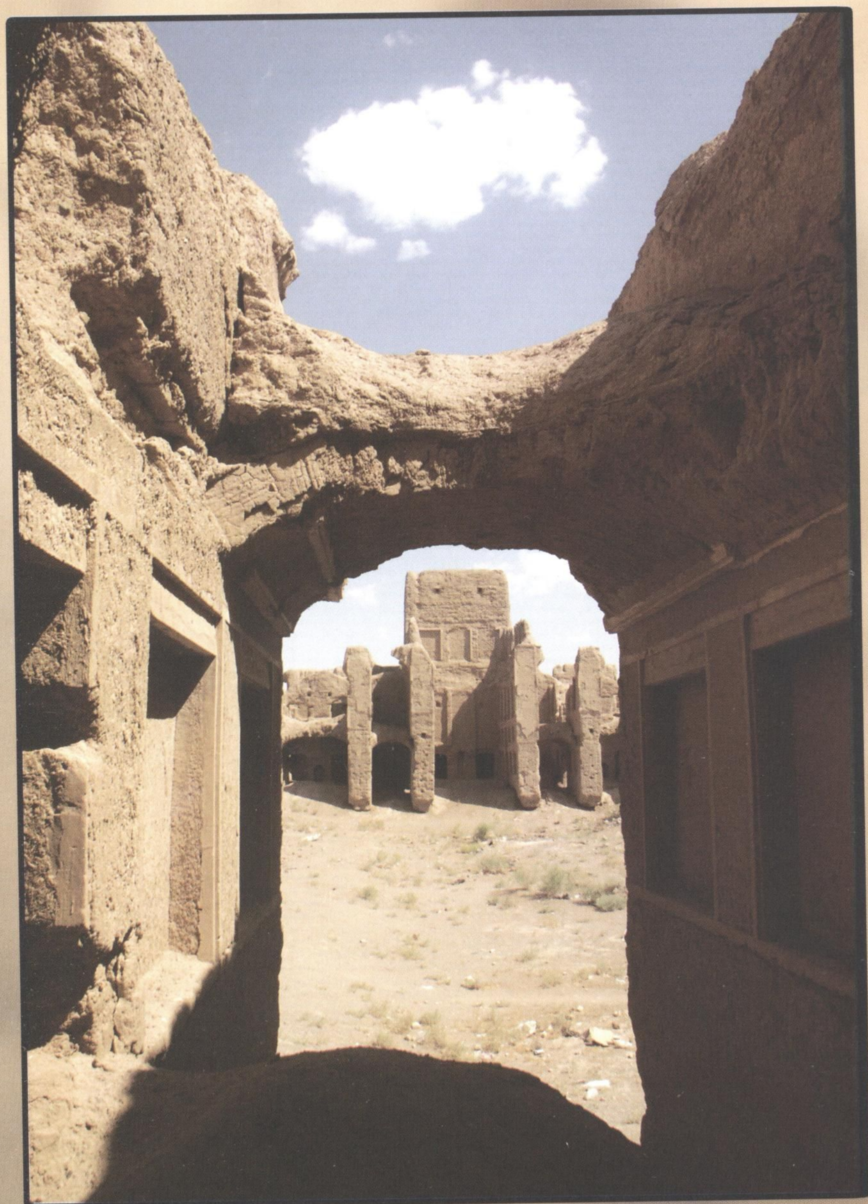
ـ **مسجد صفری:** به احتمال زیاد این مسجد قدیمی‌ترین مسجد سیرجان است، سال احداث آن ۹۶۰ هجری قمری و بانی آن شخصی به نام قطب‌الدین است که با تغییراتی در خانه خود این مسجد را راه‌اندازی کرد. مسجد صفری در کوچه ۱۷ شهریور واقع شده است. نام دیگر آن مسجد امام حسن عسکری است.

ـ **مسجد قطبی:** بانی این مسجد سیدمحمدعلی سیرجانی معروف به «قطب‌العارفین» و مکان آن خیابان نصیری روبروی اداره اوقاف است. نام دیگر این مسجد فاطمه زهرا و سال احداث آن ۱۲۵۰ هجری قمری است.

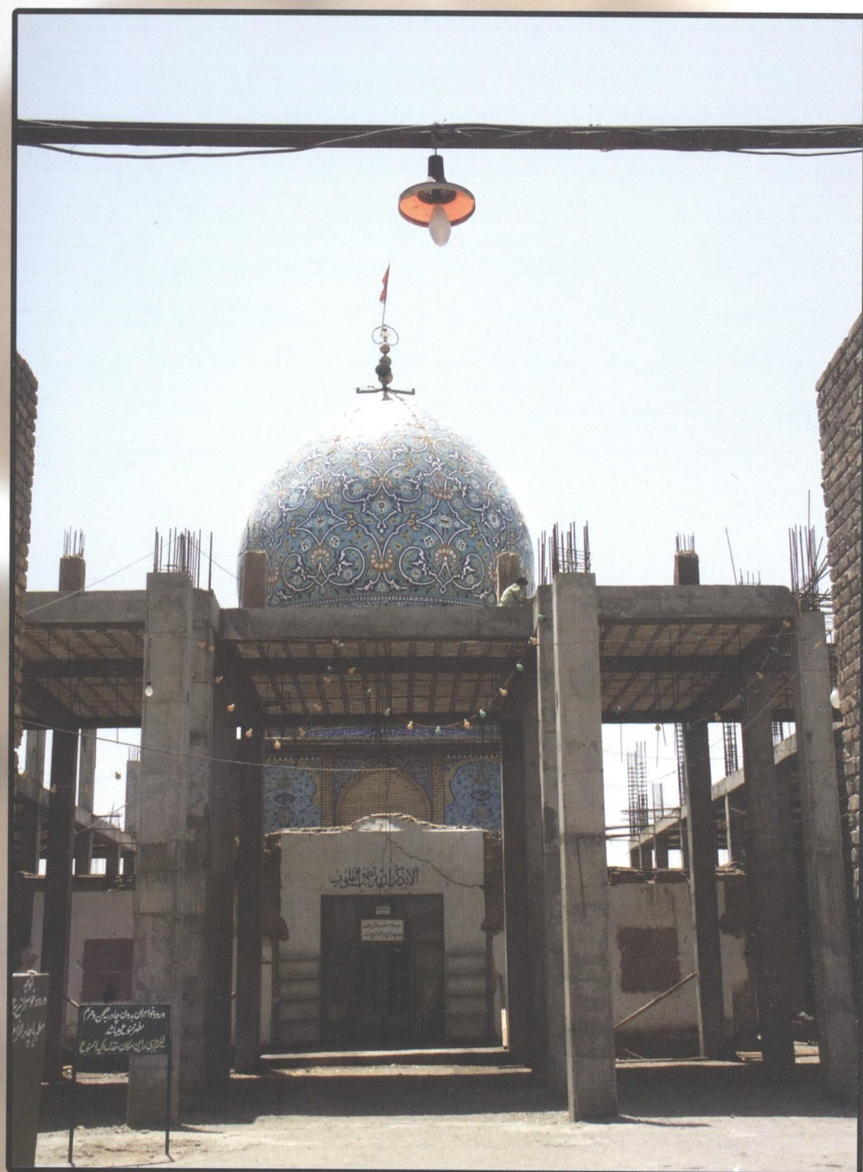
ـ **مسجد امام حسن:** این مسجد که به‌دلیل وجود درخت توت سیاه در حیاط آن به مسجد توت سیاه نیز معروف است، پشت مسجد جامع قرار دارد.

لازم به یادآوری است که قسمتی از هزینه‌های احداث مدرسه علمیه آقاشیخ‌علی مفیدی که بیش از ۵۰ سال قدمت دارد ازمحل موقوفات حاج‌سبزعلی تأمین گردیده. مدرسه علمیه دیگربه نام حاج غلامرضا تخشید نیکوکار دیگر سیرجانی است.

امامزاده علی: در فاصله ۹ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان در کنار قلعه سنگ، آستانه‌ایست که به علی بن ابراهیم بن محمد بن موسی کاظم(ع) تعلق دارد.



قلعه حاج درویش



امام زاده علی

مرحوم آیت‌اله نجفی مرعشی درباره شجره امامزاده علی می‌نویسند: امامزاده علی، ابوالحسن علی ، ساکن سیرجان از توابع کرمان و قبرش در همانجاست. ابراهیم، پدر بزرگوار امامزاده علی ، از آنجهت به «مجاب» شهرت یافته‌اند که از ضریح مقدس حضرت امیر جواب شنیدند. اما آنچه مرحوم والد کمترین علامه آقای سیدمحمود تبریزی مرعشی نسا به متوفی ۱۳۳۸ ق می‌فرمودند آنست که ایشان رامجان می گفتند،به معنی سپرساز به جهت اینکه ایشان شغل سپرسازی داشتند.

در سال ۱۲۵۵ قمری یعنی در زمان محمدشاه قاجار، شخصی به نام حیدرقلی، تعمیر این بنا را همت گمارد. این آستانه تا قریب ۵۰ سال قبل به شکل قدیم شامل گنبد کوتاه با کاشی‌های سبزرنگ ، باقی و پابرجا بوده، اما با کمک و مساعدت مالی مردم، بنای قبلی خراب، و بنای جدیدی بر آن احداث شد و ضریحی که نشانی از فکرت هنرمندان اصفهانی است روی قبر نصب گردید.

با خودم گفتم که با من کشف این اسرار کن

بارگاهی را که در مد نظر پیداست این

گفت با من این گلی از گلستان مصطفی است

وارث آیات سبحان الذی اسراست این

- امامزاده سیداحمد: بنای این امامزاده که در فلکه صنایع سیرجان قرار گرفته، از احترام خاصی برخوردار است. امامزاده سیداحمد برادر امامزاده علی و فرزند ابراهیم مجاب است که بر اساس مندرجات جلد دوم جامع‌الانساب، ابراهیم مجاب فرزند میرمحمد عابد، برادر شاهچراغ و نوه حضرت موسی‌بن جعفر است.

سال وفات آن حضرت را نیمه دوم قرن دوم هجری قمری ذکر کرده‌اند. در آن زمان سیرجان در محل باغ بیمید و از رونق خاصی برخوردار بود که آثاری از ویرانه‌های کاروانسراها و اماکن عمومی برجاست.

ساختمان اصلی امامزاده گنبدی خشتی داشته که روی آن با آجرهای سبز کوره‌ای پوشانده شده بود. در حال حاضر بناهای جدیدی در حال احداث است و ۱۰۰۰ مترمربع رواق مسقف به مجموعه حرم اضافه شده است. حیاط این امامزاده قریب ۱۵۰۰ مترمربع وسعت دارد.

- سروامامزاده: از جمله زیبائی‌های ظاهری که در جوار شکوه و معنویت این بنا، حال و هوای خاصی ایجاد کرده، سرو کهنسال آن است. براساس روایات موجود، این سرو قریب هشت قرن قدمت داردوبه شماره۵۱۷/۳ ثبت تاریخی شده است. استاد ایرج افشار در اینباره می‌نویسد: جای دیدنی دیگر شهر، امامزاده احمد است. سنگ قبر آن جدید و مورخ ۱۰۰۹ است. در کنار بقعه سرو بسیار عظیم و جلیل قرار دارد. محیط تنه آن کمتر از ۶ متر است.(سواد و بیاض، ج ۲، ص ۱۰۷)

۸ـ **خانه‌ها:** سیرجان با برخورداری از نیروهای ماهر و خُبره خود، از بناهای قدیمی ارزشمندی برخوردار است که از آن جمله می‌توان به خانه‌های قدیمی این دیار اشاره کرد:

الف ـ خانه حاج رشید: این خانه که در بولوار دکتر صادقی، کوچه شهید مهدی سریزدی واقع شده، توسط مرحوم سیدابراهیم رضوی ساخته و جهت برگزاری مراسم عزاداری خامس آل عبا و پذیرائی از عزاداران آنحضرت در ایام محرم و صفر وقف گردید. قدمت این بنا به قریب ۱۱۰ سال قبل می‌رسد و شامل این قسمت‌هاست: سر در ورودی که از چهارچوب قابهای دور آن شکل گرفته. هشتی یا کریاس ، این قسمت برای تقسیم فضا و جهت انتظار در نظر گرفته شده. حیاط یا میانسرا، بگونه‌ایست که در تمام فصول سال از گردش آفتاب و سایه آن بهترین استفاده می‌شده. اتاق‌ها ، برخی از این اتاقها که آفتابگیر است برای زمستان و برخی در تابستان استفاده می‌شده. سه دری، همان اطاق خواب است که راهروی آنرا به حیاط ارتباط میداده و از فضای آزاد به آن راهی وجود نداشته. بادگیر، ساختار این قسمت مانند سایر بادگیرها بگونه‌ای است که چون باد به مانع یا دیواره پره‌های درونی برخورد می کرد، ناچار به فرود می‌شد، جالب است که هوای گرم و آلوده از طرف دیگر بادگیر بیرون می‌رفته و کار تصفیه هوا به خوبی انجام می‌شده. سایر قسمت‌ها عبارت بود از حمام، آشپزخانه، سکو، و... از جمله قسمت های دیگر این خانه چاه صاحب الزمان است که از قداست خاصی برخوردار بوده و هنوز نیز مورد احترام اهالی است.

ب ـ عمارت صدرزاده: نام دیگر این بنا طالبان است که در روزگار خود، از جمله زیباترین بناهای شهر به‌شمار می‌رفته است و هنوز نیز جاذبه‌ی خاص خود را دارد، هر چند که آثار تخریب در آن هویدا است. بخش اصلی بنا آجری و دارای سایه‌بان‌هایی است که اطاق‌ها و سالن آن‌را از گرما و روشنی تند آفتاب کویر حفظ می کرده است. این عمارت دو طبقه در وسط باغ پسته‌ای قرار دارد. عمارت صدرزاده از گسترد گی خاصی برخوردار بوده و دارای اطاق‌های متعدد با کاربری‌های مختلف انبارهای متنوع، اصطبل، حمام، گاوچاه، استخر، باغچه و بخش‌های مختلف دیگری است که آن‌را به عنوان یکی از بزرگترین و مفصل ترین خانه‌های این شهر در آورده است. از جمله دیدنی‌های این عمارت سقف زیبای حوضخانه و فواره سنگی با سرشیر است. گنبد گاوچاه نیز زیبا و تماشایی است.

ج ـ خانه شریف: این ساختمان که روبروی مسجد صاحب‌الزمان سیرجان قرار گرفته، با سردری که آجرنمای آن جلب توجه می کند و شرفی‌های آجری که نشانی از هنر معماران سیرجانی را به تماشا گذارده، میراث ارزشمندی به‌شمار می‌رود. کریاس، صحن و بادگیر که از مشخصه‌های خانه‌های اعیان‌نشین گذشته است و نیز اطاق‌های متعدد فضاهای دیگر این بنا را تشکیل می‌دهد.

د ـ منزل خواجه کریم‌الدینی: خواجه کریم‌الدین، مردی که سخاوتمندی او در جریان ازدواج یکی از فرزندان شاه عباس، از جمله‌ی شنیدنی‌های تاریخ است و ثروت و سرمایه او در آن روزگار مثال زدنی بود که هم ثروت و هم سلیقه را به فرزندان و نسل‌های بعد از خود نیز انتقال داده است. این منزل دارای سردر ورودی بسیار زیبائی که در نخستین لحظه دیدار، آدمی را به یاد سردر تماشائی پرورشگاه صنعتی کرمان و هنرمندی معمار محمد راوری می‌اندازد. آجرنمای این سردر دارای ظرائف بسیار و زیبائی‌های فراوان است که هر بیننده‌ای را به تحسین وا می‌دارد.

هـ ـ عمارت سعیدنیا: این عمارت که در محل باغ بمید واقع شده و با همه زیبائی و عظمت با کمال تأسف شرنگ تلخ ویرانی را می‌چشد، از خانه‌های تماشائی و دیدنی سیرجان است. نقش و نگارهایی که هنرمندان سیرجانی با آجر بر دیوارهای نماهای مختلف این خانه نشانده‌اند، بی‌شباهت به تابلوی نقاشی نیست. در قسمت سرستون‌ها گلدانهایی با دسته‌های گل و زیر آن نماهایی از آجر جلب توجه می کند. دربرخی از قسمت‌ها این گل‌های تماشایی برقامت نمای ساختمان قدکشیده‌اند. این بنا از آثار اواخر قاجار است.

و ـ سایر خانه‌ها: از جمله ساختمان‌هایی که تنها باید با یاد آن دلخوش بود عمارت میان‌باغی یا خانه‌باغی است. این خانه که تا چند سال قبل در کوچه معروف به حسنی جلب توجه می کرد در حال حاضر فقط ویرانه‌ای از آن برجاست. همچنین باید از خانه‌ی خلعتی، خانه حاج درویش و خانه ناظم نیز یاد کرد. علاوه بر این از خانه‌ی قدیمی مرحوم دکتر حاج‌صادقی باید یاد کرد که روزگاری میعادگاه دردمندان و محرومان بود. بی‌پناهانی که از راه‌های دور و نزدیک برای معالجه و درمان می آمدند و چون جا و مکانی نداشتند بعضاً در همین خانه اطراق می کردند.

عمارت دیگری که ذکر نامش خالی از لطف نیست، عمارت باغچه حسن‌خان در باغ بمید است که در قسمت‌های مختلف آن نیز ظرائفی به‌کار رفته است.

در آباده سیرجان نیز خانه‌های تماشایی دیده می‌شود. علاوه بر این عمارت قدیمی محمودآباد سید با بادگیر منحصر به فرد خود یادآور روزگار شکوه و عظمت است.

۹ ـ حمام‌ها: در سیرجان حمام‌های قدیمی متعددی وجود داشته که برخی از آن‌ها به‌دلیل بی‌توجهی مسئولین وقت از بین رفته‌اند از آن جمله می‌توان حمام سبزعلی جنب مسجد جامع و حمام اسماعیل خانی در کوچه‌ی اعلاء را نام برد که متأسفانه در سال ۱۳۵۱ شمسی در اجرای طرح تعریض کوچه ها و احداث خیابان و پارکینگ به کلی از بین رفته‌اند. حمام‌های دیگری که حادثه‌ای دردناک را تداعی می‌کند، حمام پاریز و مکی‌آباد است که از وقفیات بانویی به نام امّ‌السلمه به‌شمار می‌رود. انگیزه احداث این حمام‌ها از این قرار است که امّ‌السلمه مشغول خواندن نماز بود که فرزند خردسال

او به داخل حوض خانه می‌افتاد. این زن از شکستن نماز و نجات فرزند خودداری کرد تا این که کودک خفه شد، وی پس از این برای جبران و ردّ مظالم این حمام را ساخته و وقف کرد.

۱۰ ـ آبگرم‌ها: از جمله جاذبه‌هایی که درصورت تأمین امکانات رفاهی وجاده مناسب می‌تواند رونق گردشگری سیرجان را افزون سازد، آبگرم‌ها است و معروفترین آنها عبارتند از:

ـ چشمه آب بانگلی آئنگ: این چشمه در سمت چپ جاده سیرجان - بافت و از جاده فرعی زیارت پیرغیب به طرف گلی آونگ قرار دارد و جاده دسترسی به آن نیز از همین جاده بوده واز جاده زیارت پیرغیب به طرف چهارگنبد نیز راه دارد و از حوضه آبریز کویر سیرجان می‌باشد.

این چشمه از نوع درز شکافی با زهکشی طبیعی بوده و وجود حوض با دیوار بیانگر آبدهی بیشتر در زمان‌های پیشین است ولی اکنون آبدهی زیادی ندارد و حرارت آن ۲۴ درجه سانتیگراد است.

ـ چشمه آب باد بوجون: این چشمه در دست چپ جاده دسترسی سیرجان - بلورد قرار دارد و از حوضه آبریز کویر سیرجان محسوب می‌شود.

مظهر چشمه مزبور در سازندهای عصر حاضر از انواع ماسه سنگ، سیلت‌استون و کنگلومرا می‌باشد و از انواع دامنه‌ای و درز و شکافی است. درجه حرارت متوسط آن ۲۵ درجه سانتیگراد و آبدهی آن کم است.

ـ چشمه آب باد رزون (چهارگنبد): این چشمه در منطقه چهارگنبد بین آبادی‌های نوش‌آباد و گل‌آباد قرار دارد. راه دسترسی به آن از مسیر جاده بردسیر به سیرجان و از حوالی گدار خون‌سرخ به طرف چهارگنبد و سرشاخه‌های رودخانه‌ی تنگو می‌باشد. این چشمه دریکی ازسرشاخه‌های رودخانه‌ی تنگوئیه و از درون سنگ‌هایی با جنس خاکستر آتشفشانی - لاهار و برش ظهور پیدا کرده است و حرارت آن ۲۴ درجه سانتیگراد است.

ـ چشمه آب باد روچون (پاریز): این چشمه در تپه ماهورهای حدود ۷۰ کیلومتری شرق پاریز، کنار جاده فرعی کوهستانی و در وسط رودخانه قرار دارد و از نظر حوضه‌ی آبریز جزء کویر سیرجان است. مظهر چشمه از درون سنگ‌های گرانودیوریتی ظاهر می‌شود، اطراف این توده گرانودیوریتی را رسوبات کواترنری می‌پوشانند. حرارت آن ۱۹ درجه سانتیگراد است.

۱۱ـ بادگیر چپقی: این بنا که از آثارمنحصردر معماری ایران به شمارمی‌رود ازجمله جاذبه‌های دیدنی سیرجان است. این بادگیر که در باقیمانده خانه سیدعلی اصغر رضوی، واقع در بولوار دکتر صادقی ، کوچه حاج رشید قرار گرفته، از آثار معاصر است که در عهد پهلوی اول‌احداث شده سازنده آن استاد حاج سید محمد شجاعی است که آنرا از روی دودکش کشتی‌ها ساخته و تلفیقی از معماری و صنعت است. بادگیر چپقی با شبکه‌های هندسی و منظمی که در زیر آن قرار گرفته، بر روی فضای

مستطیل شکل شمال شرقی خانه واقع شده، آنطور که هوای اطراف را با عبور از کانالهای تهویه به درون فضاها یا همان مکانهای تابستان‌نشین هدایت کرده و گرمای کویر را به فراموشی می‌سپارد. بادگیر چپقی دارای چهار دهانه است که از هر طرف باد بوزد، آنرا از مسیر دهلیزهای خود به پائین می‌فرستد. این بادگیر نشان دیگری از خلاقیت و ابتکار معماران ایرانی به شمار می‌رود.

در آخرین روزهایی که صفحات این مجموعه بسته، و آماده چاپ می‌شد، خبر درگذشت استاد محمدشجاعی، سازنده بادگیر چپقی، بار غمی بر دلمان گذاشت. تأسف بیشتر اینکه وی توفیق حضور در مراسم بزرگداشتی که چندی قبل در دانشگاه آزاد سیرجان برایش تدارک دیده شده بود را نیز پیدا نکرد، تا سپاسگزاری مردمی حق شناس را شاهد باشد. روحش شاد باد.

۱۲ ـ یخدان حاج رشید: (یخدانهای دوقلوی سیرجان) سیرجان مانند سایر شهرهای کویری، دارای یخدانهای متعددی است که نیاز اهالی را بخصوص در تابستانهای گرم منطقه برطرف می کرده از جمله معروف‌ترین و دیدنی‌ترین آنها، یخدان دو چاله حاج رشید است که دارای دو گنبد نیز می باشد. هرگنبد بر روی چاله یخی بنا شده وحصار طویل وسایه اندازی مانع ازتابش آفتاب در ساعت‌های مختلف روز می‌شده. هر چاله ۵۰ متر از یکدیگر فاصله دارند. قطر دیوار سایه‌انداز ۲/۴۰ متر و ارتفاع آن ۱۰/۵ متر است.

آب مورد نیاز یخچال (یخدانها) از قنات حسنی در حوالی حسن آباد فعلی تأمین میشد. سال احداث این یخدان آنطور که در کتیبه‌ای آجری، نشان داده شده، سال ۱۲۷۲ هجری قمری است، این کتیبه در زمینه خشتی و بر دیوار غربی حصار نصب شده.بانی این یخدانها، آقا سیدابراهیم، جد حاج رشید بوده و در زمان محمدعلی شاه قاجار، تولیت آن به حاکم وقت سیرجان، رشیدالسلطان معروف به حاج رشید واگذار شده.

۱۳ـ باغ سنگی: از جمله جاذبه‌های گردشگری سیرجان، باغ سنگی است که اگر چه سابقه تاریخی ندارد، اما خود، تاریخی گویا از ستم بداندیشان و شیوه مبارزه‌ای نو و بی‌سابقه در مقابل آنهاست.

باغ سنگی نمادی از باغ آرزوهای برباد رفته و از یادرفته است. درویش‌خان که نام اصلی اوهدایت اسفندیارپور و شغل اصلی او کشاورزی و دامداری است از نعمت شنوائی و گویائی محروم می‌باشد. گویا سالها پیش از این ستمی بر او رفته و باغی را که با هزاران خون دل ساخته و پرداخته بود، بزور از او گرفته و تمامی تلاشهای این انسان کر و لال برای احقاق حق خود بی‌نتیجه ماند. درویش‌خان با این یقین که دیگر هیچ ستمگری قصد تصاحب آنرا نخواهد داشت، اقدام به ساختن باغ سنگی می کند، و با آوردن سنگ‌های کوچک و بزرگ از راه‌های دور و نزدیک و سوراخ کردن برخی

آن‌ها، سنگها را به تنه درختان خشک شده آویزان کرده و به این ترتیب باغی منحصر به فرد ایجاد کرد که نمونه‌ای ندارد.

من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر / من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش

این باغ که در بلورد سیرجان قرار داد در سال ۱۳۴۲بنا شده و خالق آن بیش از ۸۰ سال عمر دارد.
رخساره شهیدی، شاعره سیرجانی درباره این باغ استثنائی گفته:

رهروی درد آشنا دیدم که هستی باخته / بعد عمری رنج و محنت باغ سنگی ساخته
میوه‌های آن درختان، سنگهای گونه‌گون / با دو صد خون جگر بر رشته‌ای افراخته
باغ سنگش را دگر ظالم نمی‌گیرد از او / با چنان امید او عمری چنین پرداخته

۱۴ - سایر آثار: مؤلف «یکصد روستای شگفت‌انگیز ص ۱۴۰» نیز از این آثار تاریخی یاد می‌کند: قلعه‌ای کهن، کاروانسرای صفوی، زیارتگاه قبر آقا، مسجد قدیمی.

همچنین محمدحسن زیدآبادی ملقب به پیغمبر دزدان از قلعهٔ کرّان نام می‌برد و دو چهره معروف تاریخ این دیار را نیز معرفی می‌کند. «کرّان نام دهی است در هفت فرسنگی شمال سیرجان و سه فرسخی پاریز و دارای دو قلعهٔ مهم بوده است که به قلعهٔ پائین و بالا معروف است. قلعهٔ بالا تا زمان قاجاریه آباد بود و هنگام حملهٔ آقامحمدخان به کرمان، بر اثر مقاومتی که محمدرضاخان کرانی و خواجه محمد زمان پاریزی پسر خواجه محمدحسین بعمل آوردند و منجر به قتل محمدرضاخان‌و گرفتاری خواجه پاریز شد در نتیجه قلعهٔ کران نیز از میان رفت وفقط چاه محمدرضاخانی که ظاهراً محمدرضاخان به داخل قنات پناه برده بود و از آن چاه بالا رفته و فرار کرده و کندر محمدرضاخانی که محل گرفتاری او بوده از آن عهد به یادگار مانده است».(ص ۲۵۹)

علاوه بر این، آثار دیگری وجود دارد مانند آتشکده فیروز، آب انبار و قلعه درویش در زیدآباد، و قنات کهن که نام اصلی آن بهشت‌آباد است و قدمت آن احتمالاً به عصر ساسانیان باز می‌گردد، خانه خلعتی، خانه صمدزاده و بالاخره بازار سیرجان که شامل بازار کهنه (محل فروش خواربار)، بازار نو (محل فروش پارچه)، بازار عباس دارابی، بازار رحیمی، بازار مسگرها، بازار کلاه‌مالها، بازار علاّفها، بازار نخودبریزی، بازار تخت‌کشی و بازار تیمچه (محل فروش قالی و ریس). ضمناً ۲۶ باب مسجد به مساحت قریب چهار هکتار به این شهر قداست خاصی بخشیده.

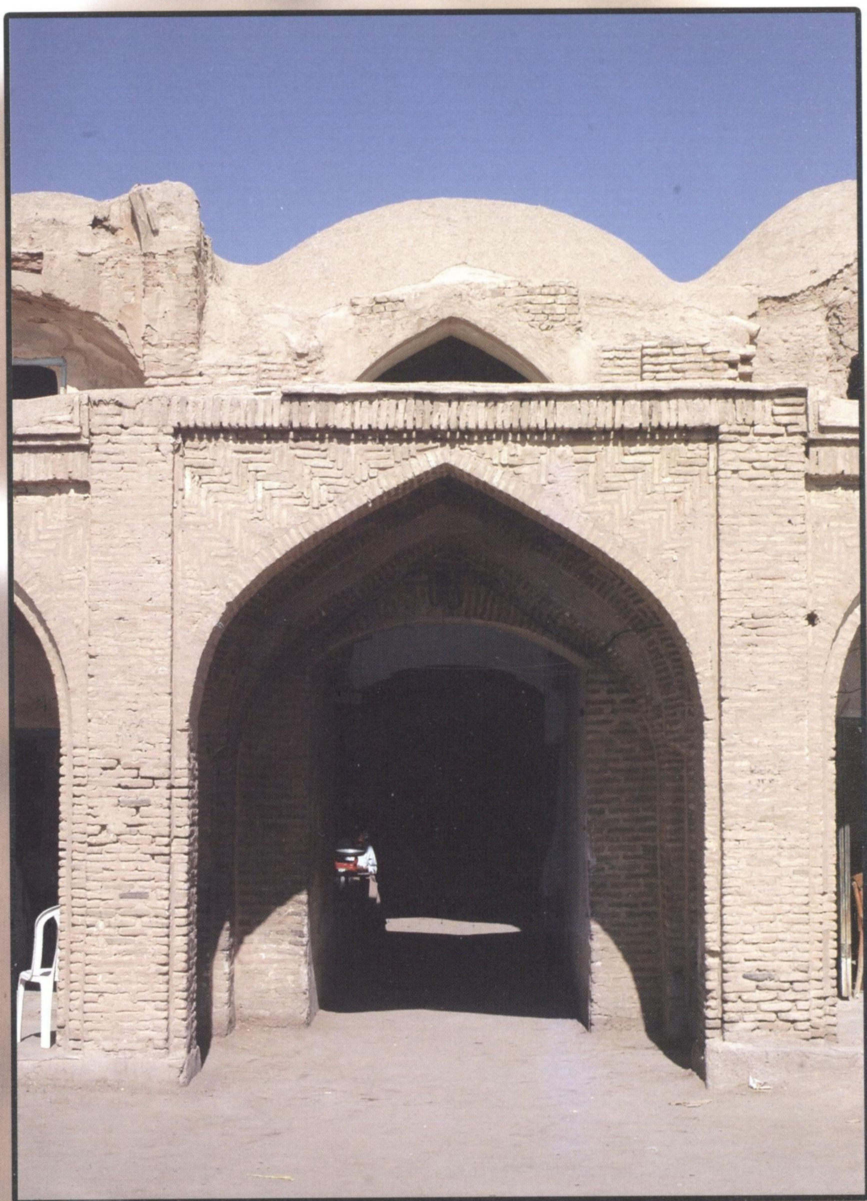
لازم به ذکر است که در شهرستان سیرجان جمعا" ۱۱۶ اثر ارزشمند شناسائی شده و ۱۳ اثر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده که از آن جمله می‌توان خانه ناظم - خانه حاج درویش - کاروانسرای سعادت‌آباد - کاروانسرای خانه سرخ و کاروانسرای پاریز را نام برد.

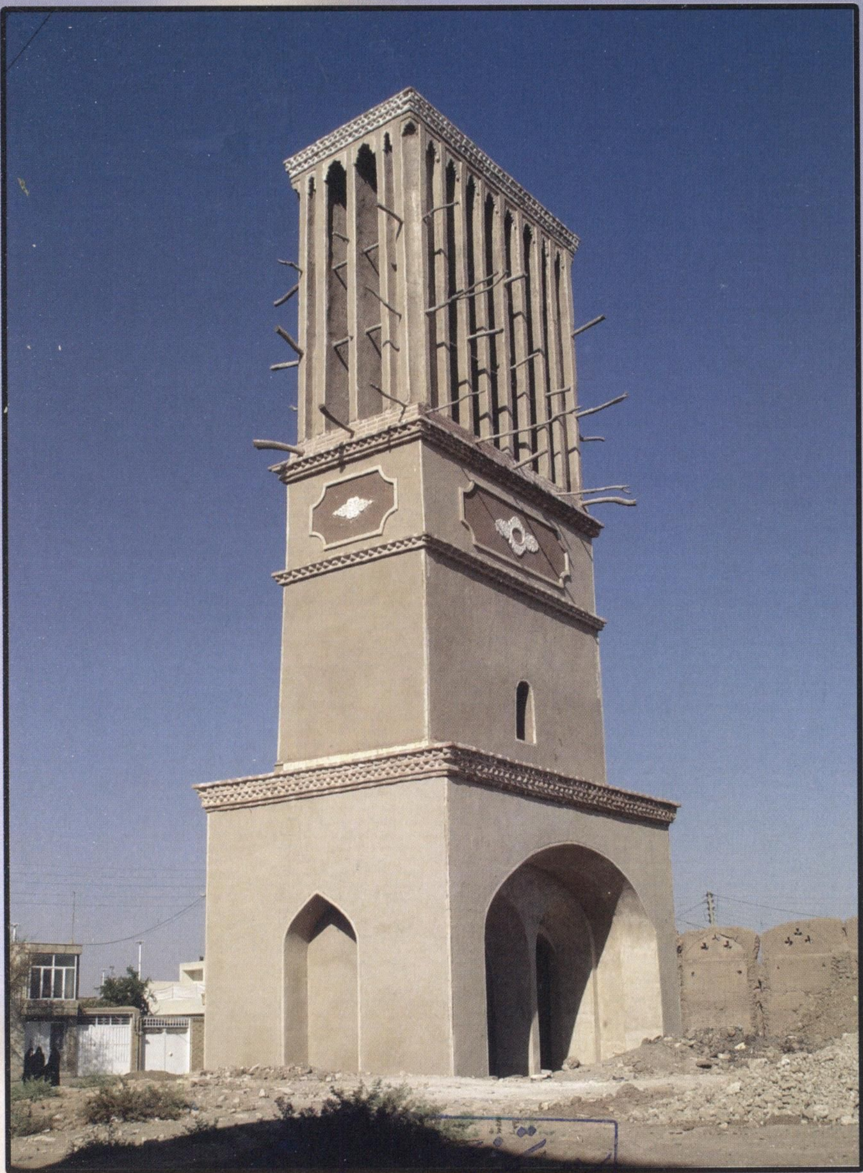


منبرسنگی



بقایای بافت کهن محمودآبادسید





بادگیرجاج رشید

اگر چه برخی از عقاید و باورها و سنت‌های مردم سیرجان، با آنچه در سایر شهرهای ایران بخصوص کرمان مرسوم است تفاوت چندانی ندارد، لکن بدلیل وجود عشایر ایلات و گروه‌های مختلف مهاجر که چندین نسل از سکونت آنها می گذرد، سنت‌ها و عقاید ویژه‌ای وجود دارد که در نوع خود متفاوت است. شاید بتوان گفت فرهنگ عامیانه مردم سیرجان برخاسته از همان حال و هوای یار و دیار است و تداعی کننده خصوصیات مردمی ساده و صادق که فضای زندگیشان را بادگیرها، خانه‌های قدیمی، جاجیم و شیریکی پیچ، دالان و تالار و نشیمند (نشیمن)، مطبخ و تنور، قنات و کاریز و... در بر گرفته. مردمی که با این همه، تعریف «احمد مقدسی» مورخ معروف را نیز زیب تاریخ حیات خود دارند که فهم و دانش بسیار آنان را ستوده.(احسن التقاسیم ص۶۸۶)

۱ - جشن‌ها و شادی‌ها : مراسم ازدواج ناف بر«نامزدی سنتی»، یکی از سنت‌های قدیمی ، ناف بر کردن نوزادان دختر بنام پسری از فامیل یا دوستان خانوادگی بوده که بنا به پیشنهاد و توافق بزرگترهای خانواده انجام می‌شد. ماما هنگام بریدن ناف نوزاد می گفت، بنام پیغمبر و دوازده امام می‌برم ناف این دختر را به اسم... و بدینگونه نامزدی از بدو تولد اعلام و آغاز می‌شد. که خود نمونه ای از همسر گزینی بشمار می‌رفت.

اما در موارد عادی، مراسم نامزدی با خواستگاری رسمی بوسیله پدر و مادر پسر و بدنبال آن «پسند کنان» و «رضا کنان» آغاز می‌شود که هر یک تشریفات خاصی دارد.

بدنبال این مراسم شیرینی‌خوران ـ مهر طی کنان یا همان تعیین مهریه ـ خرید عروسی ـ خُنچه برون ـ تهیه جهیزیه ـ عیدی برون (بردن عیدی) ـ جهیز برون ـ حجله خونه چیدن‌پیش کش ـ حمام عروسی ـ عقد بندون ـ دست به دست دادن و بالاخره مراسم عروسی است که طی تشریفاتی با برگزاری مجلس جشن انجام می‌شود در ادامه این مراسم عروس کشون- دادن رونما ـ سیّمون یا همان مراسم ویژه روز سوم عروسی نیز تکمیل کننده این مراسم است، امروزه این مراسم به ندرت برگزار می‌شود و معمولا" همان شب عروسی تحت عنوان فصل دادن به داماد، پایان می‌پذیرد.

گو به گو: ازدواج یک خواهر و برادر از یک خانواده با برادر و خواهری از خانواده دیگر را

اصطلاحاً گو به گو می گویند و آنرا بدیمن می‌دانند. به عبارت دیگر گوبه گو وقتی است که دختری را به پسر خانواده‌ای می‌دهند و دختری از خانواده مقابل را برای پسر خود می گیرند.

چارتن: ازدواج دو خواهر از یک خانواده با دو برادر از خانواده دیگر را چارتن گویند که این نوع ازدواج نیز از نظر مردم بدیمن و تلاش می‌شود تا حتی‌المقدور چنین ازدواجی صورت نگیرد.

به اقوام عروس اصطلاحاً «عاروسونیا» و به اقوام داماد «دامادونیا» گویند به مدعوین عروسی نیز «خیلمون» و به تماشاچی‌ها «سیل چی» به پسر و دختری که نامزد شده‌اند «نومزده به نوم» به کادوی عروسی «درِ حجله‌ای» و به حجله رفتن را «یه جاشدن» گویند.

مراسم زایمان: همینکه زنی حامله می‌شود، خبر آن در فرصت زمان کوتاهی به فامیل و خویشان می‌رسد و به طرح سؤالاتی از این قبیل منتهی می‌شود که «کی میبا قهوه بخوریم»؟ یعنی کی باید قهوه زایمان بخوریم؟ مسافر کی میا؟ و...

اگر از زمان حاملگی زنی می گذشت، به خیال اینکه او را طلسم کرده‌اند، اقداماتی بعمل می‌آوردند مانند نشاندن او در بستر زنی نوزا، در اینموقع کودک را به آغوش او می‌دادند و آیه‌هائی از قرآن قرائت می کردند.

جلوگیری از سقط: اگر زن حامله تهدید به سقط می‌شد می گفتند او را طلسم کرده‌اند، برای شکستن طلسم نیز تشریفاتی وجود داشت. به این ترتیب که کمر زن حامله را قفل می کردند، یعنی دور کمر را با بندی که روی آن دعا خوانده شده بود با قفل کوچکی می‌بستند و این قفل و بند تا زمان زایمان وجود داشت.

اگر زنی در ماه‌های اول ازدواج حامله می‌شد می گفتند «سرتختی اشکمش شده». به این ترتیب از اواخر ماه ششم، در تدارک لباس نوزاد برمی‌آمدند و به آن «رخت برون» می گفتند، این لباس از قطعات مختلفی تشکیل شده، از آنجمله «ته سرو» یا همان پارچه سفید و نازکی که روی سر بچه می گذاشتند، «کلوته» پوشش مقنعه مانند «کلاه گوشو»، «زیرپیرهنی»، «سینه پوشو» و... بالاخره «گاچو» یا همان گهواره.

پس از زایمان نیز فامیل و بستگان و دوستان به دیدن زائو می‌روند. در این مراسم معمولاً با قهوه و قوتو (قاووت) از مهمانان پذیرائی می‌شود.

مراسم دیگری مانند شب شیشه، مراسم روز نهم و... نیز مراسم یاد شده را تکمیل می کند.

شب چله: از جمله مراسم مورد علاقه مردم سیرجان که سابقه‌ای کهن دارد برگزاری مراسم شب چله است. در این شب صرف میوه بخصوص انار و هندوانه و نیز تنقلات، قهوه و قوّتو، مسقطی که شیرینی محلی سیرجانی است رونق دارد و محل اجتماع افراد فامیل معمولاً خانه یکی از بزرگان خانواده است.

سده سوز: مراسم سده در روز دهم بهمن‌ماه و با این عقیده برپا می‌شود که «گاو کوچولوئی میا گاو گنده‌ای ر می‌خوره» که البته منظور همان چله کوچک و بزرگ است. پس از سده سوز، خانواده‌ها خود را برای برگزاری مراسم نوروز آماده کرده و می گویند «سده سوز، پنجاه به نوروز».

مادر نوروز: یا همان «ما نو» قبل از عید نوروز وظیفه خانه تکانی را برعهده دارد، بنابراین ناآرامی هوا و طوفانهای قبل از نوروز را نشانه حضور او می‌دانستند.

چهارشنبه سوری: قبل از پریدن از روی آتش در سه‌شنبه شب آخرین هفته سال، کوزه کهنه خانه را برداشته، آب می کردند و سکه‌ای درون آن می‌انداختند و از پشت بام به پائین پرت می کردند، اگر سکه نصیب زنی می‌شد معتقد بودند که «زمونه به کام ماست» و اگر مردی برمی‌داشت برعکس تعبیر می کردند. پختن آش و توزیع آن بین همسایه‌ها و دوستان نیز رسم بود.

باغو رختن: یا باغو ریختن در واقع همان سبزه کاری قبل از عید است که خانواده‌ها خود را به آن مقیّد می دانند.

خونه روفی (خانه تکانی): نیز از مراسم الزامی قبل از حلول سال است.

شب علفه (عرفه): به شب قبل از سال تحویل می گفتند، پختن غذای خیراتی و توزیع آن بین نیازمندان از جمله مراسم این شب است.

مراسم سال تحویل و نوروز: چیدن سفره هفت سین و تمامی آداب و رسوم این ایـام در سیرجان نیز معمول ومتداول است. بویژه آنکه با مسقطی معروف سیرجان ازمهمانان پذیرائی می‌شود. به این ایام «شب سال ماه نو» می گویند.

سیزده بدر:این مراسم نیز مورد توجه خاص مردم سیرجان است.حضور در صحرا و سبزه‌زارها، گره زدن سبزه و خواندن این اشعار «سیزده بدر ـ چهارده به تو، به حق پیر کُت کُتودردابلام از ای کتوتُو اوکتو» به مراسم این روز حال و هوای خاصی می‌بخشد.

عید غدیر: «عید سیدًا» مردم سیرجان برای این روز نیز احترام خاصی قائل هستند و معتقدند که در این روز نباید کارکرد زیرا عواقبی دارد. همچنین که اگر در این شب بر این باورند بچه‌ای پا بگیرد (نطفه‌ای منعقد شود(آن کودک یا کور به دنیا می‌آید یا ۶ انگشتی. این روز را عید سادات می‌دانند وسعی می‌شود به دیدن هفت سید بروند و برای تبریک و تیمن از آنها عیدی بگیرند.

عید قربان: قربانی کردن و برگزاری مراسم ویژه‌ای در این روز رسم است گوسفند قربانی باید عاری از عیب و نقص باشد. و تا آنجا که ممکن است قبل از طلوع آفتاب ذبح شود. روی چاقو را دعای مخصوص ذبح می‌خوانند و معتقدند تا هنگام ذبح نباید به تیغهٔ چاقو دست کشیده شود. همچنین بوسیدن چشم گوسفند قبل از ذبح را صواب می‌دانند. برخی معتقدند اگر در این روز خیاطی کنند، در مکه به پای زائرشان سوزن خواهد رفت. همچنین اگر چشم گوسفند قربانی را در بیاورند و خشک کنند، برای چشم زخم و دفع بلا مفید است.

۲ ـ مراسم عزاداری:

مرگون‌وپرسه: وقتی شخصی در حال احتضار است، یکی از خویشان و آشنایان بالای سر او نام دوازده امام و چهارده معصوم را زمزمه می کند.

اصطلاح «واکشیدن» زمانی بکار می‌رود که شخص آخرین نفس‌ها را می کشد همچنین اصطلاح «دماغش تیر کشیده» یا «چشم‌هایش سیخ شده» نیز در اینگونه موارد معمول است پس از فوت، مراسم غسل دادن انجام می‌شود، این اعتقاد وجود داشت که در اینموقع، میّت چنان نعره‌ای می‌زند که اگر نسان بتواند آنرا بشنود، از ترس می‌میرد. کفن و دفن نیز با مراسم خاصی همراه است. چنانچه تصمیم به جابجائی جسد وجود داشته باشد، این نوع دفن را «سپردن مرده» می گویند.

مراسم پرسه معمولاً در روز سوم برگزار می‌شود در مراسم زنانه با چای و قهوه و قلیان و گلاب‌و پشمک و یک رقم حلوا یا روغن جوشی از مدعوین پذیرائی بعمل می آید، اما مراسم پرسه مردانه اختصار بیشتری دارد و فقط در فرصتی کوتاه و معمولاً در مسجد، با چای و قهوه پذیرائی می‌شود.

کسانی که از مراسم تدفین برمی گردند، معمولاً سر قبر خویشان و آشنایان نمی‌روند و معتقدند که «از سر خاک نو، سر خاک کهنه نباید رفت».

مردان فامیل معمولاً تا زمان خاکبندان، سر و صورت خود را اصلاح نمی کردند پس از این نیز مراسمی مانند عید اول وجود دارد که با تشریفات خاصی برگزار می‌شود.

محرم و صفر: این مراسم با برگزاری آخرین جشن‌ها و مهمانی‌ها که به آن اصطلاحاً «کلوخ انداز» گویند آغاز می‌شود. برپائی خیمه و خرگاه حسینی که به آن «چادر زدن» گویند، سیاهپوش کردن مجالس عزاداری، نصب علم، ذکر گرفتن، و تشکیل دستجات عزادار و هیئت‌های سینه‌زنی و تعزیه گردانی از اهمّ مراسم این ماه‌هاست.

قدیمی‌ترین هیئت عزاداری سیرجان «کاروان محمدی» است که به نام هیئت قصابها نیز معروفند. هیئت قدیمی دیگری که مؤسس آن مرحوم ابراهیم صفائی است، کاروان حسینی نام دارد مردم سیرجان به ده روز اول ماه محرم «تو دهی» و از ششم محرم به بعد را «شباقتلی» می گویند. همچنین اعتقادات و باورهائی در اینمورد وجود دارد، از آنجمله اینکه اگر در اولین روز محرم در مراسم روضه‌خوانی وعزاداری شرکت کنند، نامشان در زمره ارادتمندان خامس آل عبا منظور می‌شود.

ماه رمضان و لیالی قدر: زنان سیرجانی با طبخ نان چرب شیرین و نان خشکه، به استقبال این ماه می‌رفتند. چسباندن سر و گذاشتن خال قهوه برای تقویت سر نیز مرسوم بود. عده‌ای نیز سحرهای ماه رمضان با چراغ دور کوچه‌ها راه افتاده در خانه‌ها را می‌زدند و می خواندند که «رمضون اومده مهمونش کنین ـ گاو و گوساله به قربونش کنین». پیشخونی و سحر خونی نیز رسم بود به این ترتیب

که قبل از سحر «مریدبون» یا همان خادم مسجد پشت بام می‌رفت و به اتفاق عده‌ای ادعیه و اشعاری می‌خواند و سحر نیز با خواندن اشعاری از این قبیل «مر تو را حمدی که صاحب جودی و مجد و علا ...» این مراسم را برگزار می‌کردند. همچنین بچه‌ها را به گرفتن «روزه‌های تَرْفْ چسبون» یا همان کله گنجشکی دعوت می‌کردند.

دختر یا پسری که برای اولین مرتبه روزه می‌گرفت، با گرفتن جایزه‌ای که آنرا «سرروزه‌ای» می‌گفتند تشویق می‌شد. همزمان با افطار نیز تعدادی جوان به در منازل می‌روند و با خواندن اشعاری مانند «.. .زیر علم سبز محمد باشی» کمکی را طلب می‌کنند. به این گروه «الا رمضونی» گویند. کلید زنی نیز از مراسمی است که در این ماه بوسیله برخی زنان انجام می‌شود.

۳ ـ غذاهای سیرجانی:

مهارت زنان سیرجانی در طبخ غذاهای مطبوع زبانزد بوده پختن خورشت‌هائی چون خورشت سیب‌درختی، خورشت سیب‌زمینی، خورشت باقله آلوچه و غذاهای دیگری چون بزقرمه تخم‌مرغ، کباب دیگ مرغ و شاخی، تاس کباب مرغ کباب حسینی، ترف قرمه، دم پخت نخود، آبگوشت کوفته گرمو، آبگوشت مشتو قاتق آب جزو، قاتق تخم خیار، پیازو، سیر تخم‌مرغ، کشک بالنگ، کشک کنجی، حلوا آرد برنج، حلوا تق تقو، تافته، و برخی مربا‌جات و ترشیجات ویژه سیرجان است.

ـ **حلوای سهین:** این حلوا که پختن آن بیشتر در میان ایل راینی مرسوم است مایه اصلی آن‌همان سهن یا سهین است که در کرمان از آن برای پختن کماچ سهن استفاده می‌شود، گندم را به مدت ۲۴ ساعت خیس می‌کنند، و پس از آبکش کردن آنرا در قابلمه‌ای به مدت سه روز نگهداری می‌کنند، بعد گندمهای جوانه زده را در کیسه سفیدی ریخته و هر روز مقداری آب روی آن می‌ریزند تا شیرین شود و بالاخره پس از خشک کردن این گندم‌ها، به پختن حلو ا می‌پردازند.

نیم شکری(نوعی لوز)، نان پر اصفهانی، و آجیل‌هائی چون نخود بللی را در سیرجان نباید فراموش کرد.

در مورد خوراکی‌ها نیز رسم‌هایی وجود دارد از آنجمله اینکه خوردن انار ترش بعد از صرف کله پاچه ـ و انگور را بعد از حلیم مناسب می‌دانند، اما خوردن شیر بعد از غذاهای چرب را جایز نمی‌دانند. همچنین باور دارند اگر دختر باکره‌ای غذائی طبخ کند، هر کس از آن بخورد، هرگز به درد دندان مبتلا نمی‌شود.

۴ ـ عقاید و باورها:

مردم سیرجان نیز مانند سایر شهرهای ایران دارای عقاید و باورهای خاصی هستند، مثلاً:

- اگر شب توی آب سنگ می‌اندازند، جنی می‌شوند.

- وقتی دنبال شیئی گمشده‌ای می گردند می گویند، شیطون شیطون حیا کن مال مردمه پیدا کن و ... آنگاه لای روسری خود را گره می‌زنند و به اصطلاح شیطان را می‌بندند و تا زمانی که گمشده را نیاورد آن را باز نمی کنند.

- وقتی پایشان خواب می‌رود می گویند «وخی میخیم بریم عاروسی» یعنی بیدار شو میخواهیم برویم عروسی، در اینموقع پای او بیدار خواهد شد.

- با دیدن هاله ماه می گویند «ماه آغل بسته و بارون میاد».

- اگر شب و روز عید غدیر جارو بزنند، مورچه زیادی جمع می‌شود.

- اگر کف پا بخارد، یا کفش نو می‌رسد و یا زمینه سفر فراهم میآید.

- هر کس گوشت شتر بخورد ایمانش قوی می‌شود.

- اگر وزنو (شغال) از جلو منزل عبور کند و صدا بدهد، حادثه بدی پیش می آید.

نفرین‌ها و ناسزاها: برخی از نفرین‌ها و ناسزاها نیز نشانه خردمندی و سلیقه این مردم در طول تاریخ بشمار می‌رود. مثلاً یکی از نفرین‌ها اینست که «اخترش بسوزه» و یا بکار بردن واژه «اُزبک» در مواردی که می‌خواهند از نازیبائی کسی سخن بگویند. و یا این نفرین که «الهی پا ور زمین بزنه، جونش در نره» یعنی به سختی جان دهد همچنین اصطلاح «گردن خورد» که بعنوان یک ناسزا و در مقام دشنام بکار می‌رود.

دعاها و قسم‌ها: در اینمورد نیز برخی اصطلاحات از شیرینی و عمق معنای قابل توجهی برخوردار است، مثلاً این دعا که «خدا آدم سر دچار آدم زبون نفهم نکنه». و یا این دعا که «الهی حجلت بچینم» یعنی خدا کند حجله‌ات را بچینم و در مراسم شادی و عروسیت شرکت کنم و یا این دعا که «خدا ای دستِ ما تاجِ او دست نکنه» یعنی خدا این دست را محتاج آن دست نکند.

احوالپرسی‌ها و تعارفات: در این مورد نیز اصطلاحات جالبی بکار می‌رود، از جمله «سرِ کیفین»؟ یعنی شاد و سرحال هستید؟ و یا این اصطلاح که معمولاً بعد از مدتی مفارقت بکار می‌رود که «بلکی تُو نوناتون خورو[1] بوده که سرتون ورگشت افتاده». اما معروف‌ترین و مصطلح‌ترین چاق و سلامتی و احوالپرسی سیرجانی این است که «چه خت خبر» یعنی خبر تازه چی داری؟

۵ ـ قصه‌های عامیانه:

از جمله اصول قصه گوئی که حتماً باید رعایت شود، سکوت است قصه‌گو بعد از این قصه گوئی خود را آغاز می کند. در سیرجان قصه‌های منظوم و منثور زیادی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از قصه ماه پیشونی - قصه بز زنگوله پا - پادشاه و آهو بره - رفیق شلغمی و چغندری - قاطرچی - دختر

۱ - خورو، دانهٔ سیاهی است که در کشتزارهای گندم می‌روید و اگر با گندم آرد شود نان تلخ شده و خوردن چنین نانی شخص را به سرگیجه مبتلا می کند.

از قصه ماه پیشونی ـ قصه بز زنگوله پا ـ پادشاه و آهو بره ـ رفیق شلغمی و چغندری ـ قاطرچی ـ دختر تنبل ـ قصه کلاغ و روباه ـ و...

۶ ـ ضرب‌المثل‌ها:

ضرب المثل‌های سیرجانی معمولاً برگرفته از داستان و افسانه‌ایست که زمینه درک مناسب‌تر آنرا فراهم آورد، مثل این ضرب المثل که «دمب گربه رِ گرند بزن، دس ور پشت گربه بمال» یعنی دم گربه را گره بزن، دست بر پشت گربه بمال. و یا این ضرب‌المثل که «شری شد و شوری شد، کلو به نوائی رسید». و یا ضرب المثل «قسم نخور که باوره لنگ خروس برابره». و نیز ضرب المثل از «تو پیشونی در شدن» یعنی قسمت و نصیب شدن.

۷ ـ بازیهای کودکانه و عامیانه:

در اینگونه بازیها اصطلاحات خاصی وجود دارد از قبیل «گَت» یا همان مکان استراحت در بازی «تیر»، یا قطعه سنگ صاف و کوچکی که آنرا پرت می‌کنند ـ «دوره» یا همان محوطه‌ای که در آن بازی می‌کنند. بازیها نیز انواع مختلفی دارد مانند چشم چریکا ـ ماچلوس ـ شش گوشو ـ گو چفته بازی ـ گو سرمرز نگو ـ گُو گوساله پنیر ـ دوست دشمنو ـ ننه پیرزالو و....

علاوه بر این سرگرمی‌های دیگری نیز وجود دارد مانند چیستان ـ چار باقله ـ و یا «چل بیتو» که در این تفریح عامیانه، زنان اهل محل برای یکدیگر فال می‌گیرند و از حال و هوای هم خبر می‌دهند. خواندن دو بیتی‌های محلی با صدای خوش که به آن «غریبی» می‌گویند نیز اوقات خالی را پر می‌کند.

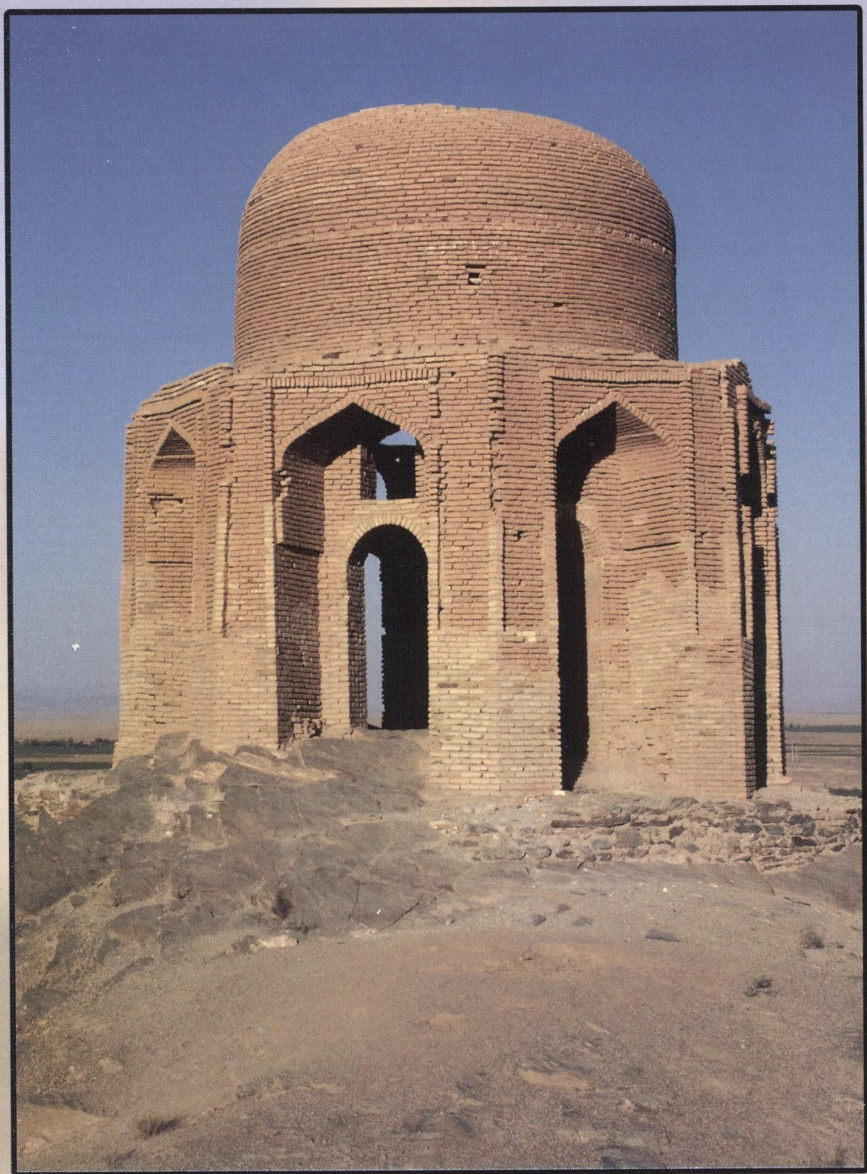
از اینجا تا به سیرجان میزنم تیر برای خاطر یک ترکه بید
خدایا ترکه بیدم نگه دار دو چشم انتظارم دل به امید

و یا این دو بیتی که

خداوندا دلم داره غباری در این سیرجون نمیگره قراری
به بینم مهربونیت رِ خدایا مرا از شهر سیرجون در بیاری

۸ ـ گویش مردم سیرجان:

علیرغم ارتباط مستمر و نزدیکی سیرجان با کرمان معذالک واژه‌ها و اصطلاحاتی در گویش سیرجان وجود دارد که با کرمان متفاوت است شاید یکی از دلائل این اختلاف، مهاجرت ایلات و عشایر باشد مثلاً در حالیکه کرمانی‌ها به مقدار کمی از هر چیز «خوردوئی» می‌گویند، سیرجانی‌ها از واژه «خوردووکی» استفاده می‌کنند، و یا به دشتی یاهمان اسپند «دنِش» می‌گویند. برخی واژه‌های مصطلح در سیرجان عبارتند از «گِچ» کودن ـ «اُلیچه» ذخیره ـ «سیسمالَو» لاغر اما مقاوم ـ «ناز گیر» ناخن گیر ـ «گدین» ستون خشتی.



شاه فیروز

تنوع سوغات سیرجان به گونه‌ایست که هر کس با هر سلیقه و تمکنی را بی‌نصیب نمیگذارد، معروف‌ترین سوغاتی‌های سیرجان عبارتند از:

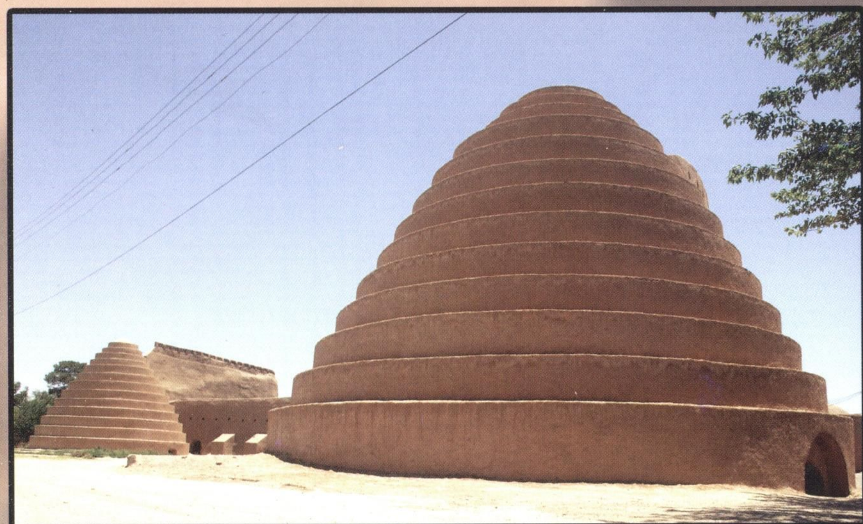
۱- **مسقطی:** اگر چه زادگاه این شیرینی را «مسقط» اعلام کرده‌اند، اما شاید بتوان گفت مسقطی سیرجان که نام آن سرزمین را بر خود دارد شهرتی بیشتر یافته، کمتر کسی است که در سفر و یا عبور از این شهر، سری به بازار تاریخی شهر نزند و مسقطی نخرد. برای تهیه این شیرینی ابتدا نشاسته را پخته، سپس کره یا روغن مایع و گلاب و شکر را به آن می‌افزایند، و بعد هل و زعفران و مقداری مغز پسته یا بادام به آن اضافه می کنند.

۲- **پسته:** اگر چه نام پسته، بخصوص در استان کرمان همواره تداعی کننده نام رفسنجان است ، اما کشت قابل توجه این محصول در سالهای اخیر، سیرجان را نیز به یکی از مراکز تولید و صادرات پسته تبدیل کرده، آنگونه که این محصول نیز به جمع سوغاتی‌های سیرجان در آمده.

۳ - **پشمک:** اگر چه معروفیت این شیرینی بیشتر به یزد برمی گردد، اما سیرجانی‌های هنرمند، بخصوص خانم‌های این شهر، چنان با سلیقه و کیفیت مطلوب آنرا تهیه می کنند که پشمک سیرجان نیز در مجموعه سوغاتی‌های این دیار، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده.

٤- **شیریکی پیچ:** زیبائی گلیم‌های دست بافت شیریکی پیچ با رنگهای بدیع و چشم‌نواز و نقش‌های زیبای سنتی که بیشتر برگرفته از خلاقیت و ابتکار بافندگان آنست و در طول تاریخ سینه به سینه گشته، چنانست که کمتر هنرشناسی از کنار آن به سادگی می گذرد و از خرید آن چشم می‌پوشد این فرش‌ها معمولاً تزئینی و در اندازه‌های کوچک دو و سه متر تولید می‌شود زنان هنرمند سیرجانی و نیز روستاهای ملک‌آباد، دارستان و امیرآباد از بافندگان آن به شمار می‌روند.

۵- **سایر سوقاتی‌ها:** از جمله تولیدات هنری دیگر سیرجان که زمینه اشتغال زنان این شهر به شمار می‌رود، دوخت پته است که برخی از انواع آن، کیفیتی معادل پته کرمان دارد. علاوه بر این یکی از سوقاتی‌های قدیمی که امروز از رونق افتاده، کوزه‌های سیرجانی است که روزگاری از شهرت و مرغوبیت برخوردار بود.



یخچالهای سیرجان

سیرجان از دیرباز مهد علم و دانش بوده و شخصیت‌های فرزانه و آگاهی را در دامان خود پرورش داده، نامورانی که آوازه شهرتشان از مرزهای این دیار فراتر رفته و آثار ارزنده‌ای از آنها برجاست.

معروف‌ترین آنها عبارتند از:

۱ـ **ابوعبداله محمدبن مرزبان سیرجانی**، عالم و عارف قرن چهارم که در علم حدیث ید طولانی داشت. وی به سال ۴۲۸ ق در سمرقند وفات یافت.

۲ـ **ابوعلی حسن بن صوفی سیرجانی**، وی در بغداد سکونت داشت و نه تنها در علم حدیث که در پارسائی و زهد نیز شهره بود. سال وفات او را ۴۸۱ ق ذکر کرده‌اند.

۳ـ **سُعدی سیرجانی** ، وی که در بغداد زندگی می کرد بانوئی زاهده و عارفه بود، او بسال ۵۳۷ وفات یافت.

٤ ـ **زین‌الدین زیدآبادی**، از عالمان و فُقهای قرن هفتم و هشتم هجری بوده که خواجو او را ستوده است.

٥ ـ **خواجه کریم‌الدین پاریزی**، به سال ۱۰۲۰ ق در پاریز به دنیا آمد، ابتدا شغل پیله وری داشت، از همین راه ثروتی اندوخت. محمدمفید بافقی دربارهٔ او می‌نویسد: «الموفق بتأیید ازلی خواجه کریم‌الدین براهکوئی، آنجناب از جمله اشراف وا عیان قصبهٔ براکوه، پاریز... پاک طینت و خجسته صفات بوده، به صفت عقل و دیانت موصوف و به زیور زهد و عبادت آراسته» وی با تلاش و مجاهدت، ثروت قابل توجهی بدست آورده و به عنوان یکی از متمولین عصر به شمار می‌رود. حکایت هدیهٔ بزرگ او در مجلس جشن پسر شاه عباس، از خواندنیهای تاریخ است گویا هدیهٔ او به اندازهٔ تمامی ثروتمندانی بود که در آن مجلس حضور داشته و هدایایی تقدیم می کنند.

٦ـ **درویش عباسعلی زیدآبادی**، عالم و عارف قرن دوازدهم هجری او از مال و منال دنیوی گذشت و لباس فقر بر تن کرده.

۷ـ **مطیعا**، وی از شعرای خوش قریحه سیرجان بوده که سروده او در وصف امام‌زاده علی بن ابراهیم معروف است.

۸ـ سیدابوالقاسم «وفی علیشاه» ، از مردم مکی آباد سیرجان به سال ۱۲۶۹ بدنیا آمد وی از عرفا و شعرای خوش قریحه بشمار می‌رفت.

۹ـ امیر جعفر خواجوئی ، حاکم عصر ابراهیم‌خان ظهیرالدوله نیز شاعری توانا بود

ای نام دلگشای تو عنوان نامه‌ها　　خاک در تو آب رخ اعتبارها

لطفت برات روزی مردم نوشته است　　با خط سبز بر ورق کشتزارها

۱۰ـ شیخ عبدالمحسن لویمی لحسائی، وی به سال ۱۲۱۸ به ایران آمد، سیرجان را برای اقامت برگزید و مورد توجه فتحعلیشاه قرار گرفت، وی از فقها، علماء و محققین این دیار به شمار می‌رود.

۱۱ـ صهبای سیرجانی ، وی از مریدان حاج ملاهادی سبزواری و از خاندان محسنی سیرجانی است. کتاب منظوم «انیس العشاق» که دارای پنج هزار بیت است و آنرا بنام وکیل الملک کرده، از اوست. سال وفات وی ۱۲۹۹ ذکر شده.

صهبا تو را به نیک و بد خلق کار نیست　　اما هزار حیف که در خلق عار نیست

۱۲ـ محمدحسن زیدآبادی، معروف به نبی السارقین یا پیغمبردزدان. او در فاصله سالهای ۱۳۲۸تا ۱۲۲۴ ق در دهستان زیدآباد واقع در ۲۰ کیلومتری شمال سیرجان متولد و در حدود سالهای ۱۳۳۰ چشم از جهان فرو بست. وی در زمان حکومت ناصرالدین شاه و قدرت مطلقه حکام وقت ، بهلول‌وار قدم به عرصه مبارزه با زورگویان و باج خواهان کرد و مجموعه شعر ارزشمندی با نام « پیغمبردزدان» سرود که در سال ۱۳۲۳ توسط استاد باستانی پاریزی چاپ و انتشار یافت. در زمان حیات این شاعر توانا، خانه او محل اجتماع اهل علم بود. او که به «قاانی» تخلص می کرد، در جائی گوید:

نه مرا آگهی ز خیر و ز شر　　خود ندانسته صبح را از شام

۱۳ـ حاج بنان مدنی (بنان الشریعه) ، عالم، شاعر و خوشنویس قرن سیزدهم، حدود سالهای ۱۲۸۰ شمسی در سیرجان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در سیرجان و تحصیلات تکمیلی را در مدرسهٔ معصومیه و عتبات عالیات و حوزه‌های علمیهٔ نجف اشرف ادامه داد. وی از خوشنویسان معروف عصر خود به شمار می‌رفت و معلم خط مدارس تهران بود. در کتاب تذکرهٔ خوشنویسان دربارهٔ او چنین آمده: «وی در نوشتن خط شکسته توانا و مبتکر بود و به اعتقاد اهل فن، با ایجاد شیوهٔ مخصوص به خود در بین خطاطان این عصر جایی برای خود باز کرده. این عالم هنرمند به سال ۱۳۳۸ ش در تهران درگذشت و در «ابن بابویه» به خاک سپرده شد.

۱۴ـ آخوند ملالطفعلی، از کاتبان و شاعران خوش ذوق این دیار است، او در یکی از عقدنامه‌هائی که تحریر کرده، این ابیات را آورده.

ای ذات تو برتر از شناسائی ما وصف تو برون ز حد گویائی ما

حمد تو چنانست که خود می‌گوئی بـیواسطه عبارت آرائی ما

۱۵ ـ ملامحمد سعید کرّانی، از علما و روحانیون سیرجان است که رساله‌ای در علم تجوید قرآن بناه «ابدهٔ التجوید» از او برجا مانده.

۱۶ـ لسان العلماء، از علماء زیدآباد و نماینده آیت اله حاج محمد کاظم طباطبائی در هندوستان بود، مجموعه‌های جواهرالایمان، و جواهرالارشاد از اوست.

۱۷ـ شیخ الملک ،به سال ۱۲۷۵ بدنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات خود در ایران به فرانسه رفت و مدتی معلم مدرسه‌ای در آن کشور بود. وی از پیشگامان راه‌اندازی مدرسه به روش جدید بود. وی از سیاستمداران معروف عصر خود بوده و با ناظم‌الاسلام کرمانی حشر و نشر داشت.

۱۸ـ مرتضی قلی‌خان ستوده‌نیا، عارف و شاعر معروف اوائل قرن سیزدهم هجری شمسی و از خوشنویسان بنام عصر خود بود.

۱۹ـ شیخ عبدالمحسن محسنی، وی فرزند حاج عبدالحسین و نواده شیخ عبدالمحسن از فضلا و دانشمندان معروف سیرجان به شمار می‌رود. محسنی خطی خوش داشت و شعر را زیبا می سرود کتابی درخصوص تاریخ سیرجان تألیف کرده. این شعر از اوست:

آن کشتی شکسته که در موج ابتلاست بدبخت اهل کشتی و بیچاره ناخداست

۲۰ ـ حاج شیخ محمود محسنی، فاضل و شاعر معاصر که خطی خوش داشت

زار باشد عاشقان را زار و مضطر داشتن ابتدا دل بردن و بی‌جرم دل برداشتن

۲۱ـ حاج محمدحسین برهان، معروف به برهان المتکلمین، واعظ، شاعر و نویسنده. از تألیفات او سه مقالهٔ برهان و اسرار و ائمه قرآن را می‌توان نام برد. وی پس از مهاجرت از رامسر به سیرجان تا آخر عمر در همان محل ماند و در این شهر بدرود حیات گفت. از اوست:

دوشم آمد ندا زغیب به گوش کای غریق گنه ز گفته خموش

۲۲ـ حاج سیدمحمدرضا مدنی، از روحانیون، علما، شعرا و برجستگان معاصر و اهل زیدآباد است. رساله بیان الحقیقه، رستاخیز عاشورا، و چهار مقاله و فیلسوف از او برجاست. وی دارای خطی خوش بود و کتیبه‌های برخی از مساجد کرمان را با خط ثلث تحریر کرده. همچنین به زبان عربی شعر می‌سرود.

۲۳ ـ دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی،فرزند مرحوم علی اکبر باستانی پاریزی

معروف به حاج آخوند، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در پاریز سیرجان قدم به عرصه حیات گذاشت پدر او از فرهنگیان و فرزانگان این روستا بود که نخستین مدرسه پاریز به همت او بنا شد. وی به سال ۱۳۴۱به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه تهران نائل آمد و به تدریس در همان دانشگاه مشغول شد. وی تاکنون قریب پنجاه عنوان کتاب تألیف کرده که در اکثر آنها بخش‌هائی از تاریخ کرمان رقم خورده. عشق و علاقه وافر او به کرمان را میتوان از این کلام زیبای دکتر عباس زریاب خوئی دریافت که گفت : «نمیدانم باستانی ایران را دوست دارد چون کرمان در آنست یا کرمان را دوست دارد چون جزئی از ایران است».

۲۴ ـ **علی اکبر سعیدی سیرجانی**، شاعر، نویسنده و محقق توانا به سال۱۳۰۷هجری شمسی در سیرجان به دنیا آمد، و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود در دبستان و دبیرستان بدر و نیز دیپلم دانشسرای مقدماتی کرمان به امر تدریس مشغول شد و با گذراندن تحصیلات دانشگاهی به تدریس در دانشگاه پرداخت، از وی کتب متعددی چون «در آستین مرقّع » «سیمای دوزن» و... برجاست. این بیت زیبا که در جریان جشن‌های دو هزار و پانصد ساله سرود نشان از قدرت و توانائی ادبی او دارد.

گر صد چراغان است و صد آئینه بندان   تار است شهر از دود آه دردمندان

۲۵ ـ **سیدعبدالمحسن علوی**، به سال ۱۳۰۶ در سیرجان بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک لیسانس از دانشگاه تهران به امر تدریس پرداخت، وی در شعر و ادب تواناست و مجموعه ارزشمندی از او انتشار یافته.

۲۶ ـ **دکتر طاهره صفارزاده**، به سال ۱۳۱۵در سیرجان بدنیا آمد، در رشته زبان انگلیسی به اخذ مدرک لیسانس نائل شد و تحصیلات خود را در انگلستان ادامه داد وی محققی توانا، شاعر زبردست، و استادی فرزانه است که علاوه بر مجموعه‌های متعدد شعر، ترجمه قرآن حکیم به زبانهای فارسی و انگلیسی، او را در شمار چهره‌های ماندگار قرار داده است.

۲۷ـ **ماشااله صفاری (بندی سیرجانی)** ، به سال ۱۳۲۶در سیرجان بدنیا آمد و در آذر ۱۳۶۲ شمسی در اسکله حور العظیم، بدرجه رفیع شهادت نائل آمد. وی در شعر و شاعری از توان بالائی برخوردار بوده.

ساغر بگیر از کف بندی که در بهار   گیتی دوباره چون دم دیدار یار شد

۲۸ ـ **غلامعباس رعائی**، به سال ۱۳۰۲در سیرجان متولد شد و بعدها در شمار برجستگان شعر و ادب سیرجان درآمد، از زیباترین سروده‌های او «غدیریه» است که اینچنین آغاز می‌شود.

دلم نموده دگر بار میل میخانه   ز انبساط لبی تر کنم ز پیمانه

۲۹- سایر مفاخر، علاوه بر این شخصیت‌های برجسته دیگری نیز از مفاخر این دیار به شمار می‌روند که سرخیل آنان، شهیدان گرانقدر، و سروهای بلند استقامت و ایثاری است که نامشان تا همواره تاریخ، بلند آوازه خواهد ماند.

چهره‌های ماندگار این شهرستان که متأسفانه حتی به ذکر نامشان در این مجموعه مختصر نمی‌توان پرداخت، بسیارند در اینجا لازم است از شاعر، عارف و نویسندهٔ فرزانه، محمدعلی آزادیخواه ـ همچنین علی اکبر وثوقی نویسنده توانا ـ مرحوم علی اکبر بختیاری، و سرکار خانم مؤید محسنی که همه قبیله او عالمان دین بودند و مجموعه‌های مفصلی را تهیه و انتشار داده نام برد. علاوه بر این، لازم است از بزرگ مردی که اگر چه اهل خطه شمال بود، اما عمر خود را بر سر خدمتگزاری به مردم سیرجان گذاشت و سرانجام در همین سرزمین از دنیا رفت و تمامی ثروت خود را وقف ساخت بیمارستان کرد، یاد کنیم، مرحوم دکتر حاج صادقی که بی‌تردید از نوادر روزگار به شمار می‌رود.

همچنین باید از آقایان محمد اخلاقی‌نیا نماینده دور اول، سیداحمد حسینی‌زیدآبادی نماینده دوره های دوم، سوم، چهارم و هفتم و سیدمحمد هاشمی نماینده دوره‌های پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی یاد کرد.



عمارت دوطبقه صدرآباد





خانه صدرزاده

حمل و نقل و راه‌های ارتباطی

سیرجان بر سر راه‌های کرمان، فارس، هرمزگان و یزد قرار دارد. فاصله راه‌های مذکور به این شرح است.

- جاده سیرجان ـ بندرعباس به طول ۳۸۰ کیلومتر از نوع آسفالت درجه ۱
- جاده سیرجان ـ شیراز به طول ۳۸۰ کیلومتر از نوع آسفالت درجه ۱
- جاده سیرجان ـ کرمان به طول ۱۹۲ کیلومتر از نوع آسفالت درجه ۱
- جاده سیرجان ـ شهربابک به طول ۱۱۵ کیلومتراز نوع آسفالت درجه۱
- جاده سیرجان ـ بافت به طول ۱۲۰ کیلومتر از نوع آسفالت درجه ۲

لازم به یادآوری است که عملیات دوبانده کردن راه‌های سیرجان ـ کرمان و سیرجان- بندرعباس ادامه دارد. همچنین طرح احداث جاده کمربندی شهر سیرجان در دست بررسی است.

راه‌آهن: خط آهن بافق ـ سیرجان که در سال۱۳۶۹ گشایش یافت، در سالهای بعد به استان هرمزگان نیز اتصال یافت. این خط از یزد و کرمان منشعب شده و پس از عبور از شهربابک به سیرجان می‌رسد. طول خط آهن سیرجان از ایستگاه خاتون آباد تا ایستگاه کُهه و احتساب دو خط فرعی معدن گل گهر و مس سرچشمه، جمعاً ۲۲۴کیلومتر است.

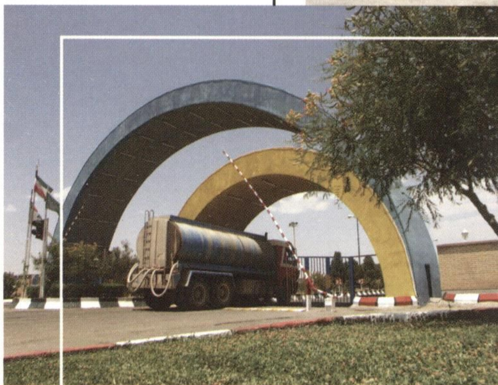
فرودگاه : در زمینی به مساحت ۵۰۰هکتار و در فاصله ۱۰ کیلومتری جاده سیرجان- شهربابک احداث گردیده. باند پروازی آن ۳۷۵۰متر و عرض ۴۵ متر است و دارای ۸ ساختمان با امکانات لازم را دارد. هم اکنون پروازهای هفتگی از سیرجان به تهران و بالعکس بخشی از نیاز این شهرستان را تأمین می کند.

سیرجان امروز

شهرستان سیرجان با دارا بودن امکانات وسیع و گسترده، در جوار تاریخی کهن و سراسر عزت و افتخار، افق روشنی را فرا روی خود دارد. وجود سیرجان بر سر راه‌های شیراز، بندرعباس، کرمان و یزد ـ برخورداری از خط راه آهن و نیز فرودگاه ـ و امکانات آموزش عالی از جمله سه مرکز دانشگاهی، یک مدرسه علوم دینی، مرکز آموزش هنرهای دستی، مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای

جمعاً بیش از ۷/۵ هکتار ـ وجود معادن غنی و ارزشمند فولاد گل گهر که پشتوانه‌ای ارزشمند برای اقتصاد کشور بشمار می‌رود ـ سازمان عمران و منطقه ویژه تجاری سیرجان، با ده‌ها واحد تولیدی ـ امکانات مناسب بهداشتی و درمانی از قبیل ۴بیمارستان، ۲۶ پزشک متخصص، ۲۰ درمانگاه و مرکز بهداشتی ـ امکانات و تأسیساتی از قبیل ۶۲۶ کیلومتر خطوط ۲۰۰ کیلوولت برق، ۲۵ دفتر مخابراتی روستائی و ۱۰ دفتر باجه شهری ـ شبکه گاز ـ امکانات مناسب کشاورزی و متکی بر منابع آبی زیرزمینی، و نیز وجود محصول پسته در این شهرستان با ۲۸۰۰۰ هکتار زیرکشت و ۳۵۰۰۰ تن تولید و سایر محصولات کشاورزی ـ وجود ۲۰۵ واحد تولیدی کارگاهی در شهرکهای صنعتی ـ وجود صنایع دستی متعدد از قبیل قالی‌بافی، گلیم‌بافی، پته دوزی، سفال سازی، نمدبافی، جاجیم بافی، گیوه دوزی و... ـ معادن مختلف سنگ چینی، سنگ مرمر، سنگ آهک، معدن مس چهارگنبد، معدن دولومیت، معدن نمک، صادرات انواع فرش، غلات، سنگ آهن، سنگهای ساختمانی و... و در جوار آن مردمی پر تلاش و سخت کوش و با ایمان، از فرداهای روشنی نوید می‌دهد که سیرجان و سیرجانی در انتظار آنست تا بتواند یکبار دیگر مجد و عظمت گذشته را تکرار کند و رایت افتخار و عظمت این دیار را بر بلندای ایران عزیز به اهتزاز درآورد.به امید آنروز.





منطقه تجاری اقتصادی سیرجان

مراکز بهداشتی و درمانی

۱ـ بیمارستان دکتر فرضی	۴۲۲۰۷۰۱-۵
۲ـ بیمارستان امام	۳۲۲۶۱۵۱-۳۲۲۲۰۵۱-۶
۳ـ بیمارستان پایگاه دریایی	۳۲۲۱۰۶۳
۴ـ کلینیک بنیاد فاطمیه	۳۲۲۲۱۵۸
۵ـ کلینیک فرهنگیان	۳۲۲۱۷۰۱
۶ـ کلینیک شهید زندی نیا	۳۲۲۰۰۹۹
۷ـ درمانگاه حضرت زینب (س)	۵۲۲۶۳۹۶
۸ـ درمانگاه تامین اجتماعی	۳۲۲۰۵۰۱
۹ـ اورژانس	۱۱۵ - ۴۲۰۲۲۰۰-۴

کلانتریها و نیروی انتظامی

۱ـ کلانتری شماره ۱۱	۴۲۲۳۳۴۳
۲ـ کلانتری شماره ۱۲	۳۲۲۷۲۸۲
۳ـ کلانتری شماره ۱۳	۵۲۲۵۵۰۱
۴ـ پلیس راه	۴۲۲۴۵۴۵
۵ـ راهنمایی و رانندگی	۵۲۲۳۴۴۰
۶ـ نیروی انتظامی	۴۲۲۴۱۱۰

هتلها و مسافرخانه‌ها

۱ـ هتل کسری	۴۲۲۵۱۷۷
۲ـ هتل سروش	۵۲۲۲۰۱۶-۱۷
۳ـ هتل فدک	۳۲۲۵۵۲۵
۴ـ هتل کهکشان	۵۲۲۰۴۷۱
۵ـ مهمانپذیر ناز	۳۲۲۳۶۹۸
۶ـ مسافرخانه ملت	۴۲۲۳۶۹۸
۷ـ مسافرخانه خلیلی	۴۲۲۷۲۶۷
۸ـ مهمانسرای جهانگردی	۳۲۲۵۱۷۵-۳۲۲۷۸۷۸

داروخانه‌ها

۱ـ داروخانه دکتر خادمی	۳۲۲۵۰۸۷
۲ـ داروخانه تخت جمشید	۳۲۲۷۰۰۰
۳ـ داروخانه ارجمند	۴۲۲۴۸۸۵
۴ـ داروخانه دکتر یزدانپناه	۳۲۲۸۸۰۷
۵ـ داروخانه ولی عصر	۳۲۲۲۶۶۲

۶ـ داروخانه کشفی‌پور	۳۲۲۱۱۱۹
۷ـ دراوخانه نیازی	۳۲۲۸۴۲۰
۸ـ داروخانه معماریا	۴۲۲۱۳۴۵
۹ـ داروخانه دکتر قریشی	۳۲۲۹۴۵۸
۱۰ـ داروخانه دکتر فیروزی	۳۲۲۴۶۵۵
۱۱ـ داروخانه دکتر سهیلی	۳۲۲۸۳۰۷
۱۲ـ داروخانه دکتر برفه‌ای	۳۲۲۱۵۸۰
۱۳ـ داروخانه بوعلی	۳۲۲۳۵۱۴
۱۴ـ داروخانه رازی	۴۲۲۵۵۸۵
۱۵ـ داروخانه دکتر شهبا	۳۲۲۱۱۶۱
۱۶ـ داروخانه فرهنگیان	۴۲۳۶۹۹۰
۱۷ـ داروخانه هلال احمر	۳۲۲۴۰۲۱

آژانسهای مسافربری

۱ـ تعاونی شماره ۱	۴۲۲۹۰۹۶-۹
۲ـ تعاونی شماره۲	۴۲۲۱۱۳۰
۳ـ تعاونی شماره۴	۴۲۲۸۰۴۴
۴ـ تعاونی شماره ۷	۴۲۲۹۸۸۰
۵ـ تعاونی شماره ۱۱	۴۲۲۱۸۸۰-۴۲۲۹۷۷۰
۶ـ تعاونی شماره۱۴	۴۲۲۵۹۵۵
۷ـ تعاونی شماره ۱۶	۴۲۲۵۹۵۵

دارات

۱ـ فرمانداری	۴۲۲۲۸۳۸-۴۲۲۲۵۷۰
۲ـ امور آب	۵۲۲۵۰۷۰-۵۲۲۰۸۹۶
۳ـ شرکت توزیع برق	۴۲۲۹۵۶۰-۴۲۲۴۵۷۰
۴ـ شرکت مخابرات	۳۲۲۸۰۰۰-۳۲۲۴۰۰۰
۵ـ شرکت ملی گاز	۴۲۲۱۹۰۳-۴
۶ـ اطلاعات	۳۲۲۶۶۲۵
۷ـ دادگستری	۵۲۲۶۴۰۴-۶
۸ـ شهرداری	۳۲۲۰۱۱-۱۳
۹ـ شورای شهر سیرجان	۴۲۳۶۹۴۵-۴۶
۱۰ـ آموزش و پرورش	۴۲۳۶۷۱۰-۴۲۲۶۶۷۶
فرودگاه	۴۲۳۵۴۸۸-۴۲۳۵۴۸۵
راه آهن	۳۲۲۷۷۰۱-۴

۱. آبادیان حسین زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۳۷۷.
۲. افشار سیستانی،ایرج ایل‌ها و چادرنشینان ایران چاپ اول نشر مؤلف.
۳. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد صورةالارض ترجمه جعفر شعار.
۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم مار در بتکده چاپ اول۱۳۶۸ نشر زرین.
۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم از سیر تا پیاز چاپ سوم۱۳۷۹ نشر علم.
۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم سنگ هفت قلم چاپ دوم انتشارات به نشر.
۷. بختیاری، علی اکبر سیرجان در آئینه زمان ۱۳۷۸ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
۸. بهزادی اندوهجردی، حسین ستارگان کرمان ۱۳۵۵ انتشارات توس.
۹. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم یعقوب لیث چاپ هفتم ۱۳۷۷انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
۱۰. تقسیمات کشوری استانداری کرمان.
۱۱. جغرافیای ایران سال دوم دبیرستان.
۱۲. حاتمی، ابوالقاسم سیرجان قدیم ۱۳۸۰ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
۱۳. خیراندیش، اسدالله با من به کرمان بیائید۱۳۶۸ انتشارات وحید.
۱۴. خبیصی ،میرزا محمدابراهیم سلجوقیان و غز چاپ اول۱۳۷۳ انتشارات کوروش.
۱۵. دریاگشت،محمدرسول سی گفتار درباره کرمان۱۳۵۶ انتشارات استانداری کرمان.
۱۶. زنده‌دل، حسن یکصد روستای شگفت‌انگیز.
۱۷. زیدآبادی، محمدحسن پیغمبر دزدان «باستانی پاریزی» چاپ نهم۱۳۶۳ انتشارات نگاه.
۱۸. سعیدیان ، عبدالحسین سرزمین و مردم ایران چاپ چهارم۱۳۶۹ انتشارات علم و زندگی.
۱۹. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کرمان شهرستان سیرجان ۱۳۸۲.
۲۰. سایکس، سرپرسی ده هزار مایل در ایران.
۲۱. شجاعی، محمدرضا مجموعه اطلاعات هیردوژئوشیمیایی شرکت سهامی آب منطقه‌ای کرمان.
۲۲. فرهادی، مرتضی موزه‌های بازیافته۱۳۷۸ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
۲۳. فرمانداری سیرجان.
۲۴. فلات مرکزی سیرجان.
۲۵. قمی، حاج شیخ عباس منتهی‌الامال.
۲۶. گور، ژان خواجه تاجدار ترجمه ذبیح‌الله منصوری چاپ دوازدهم ۱۳۷۰.
۲۷. مقدسی،احمد احسن التقاسیم چاپ اول۱۳۶۱.

۲۸. مرکز آمار ایران آمارنامه کرمان ۱۳۶۹.

۲۹. مجموعه مقالات کرمان‌شناسی   دفتر دوم انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

۳۰. مؤید محسنی، مهری   فرهنگ عامیانه سیرجان ۱۳۸۱ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

۳۱ . مؤید محسنی، مهری گویش مردم سیرجان ۱۳۸۱ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

۳۲. نهچیری، عبدالحسین   جغرافیای تاریخی شهرها ۱۳۷۰ انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

۳۳. وثوقی رهبری، علی‌اکبر تاریخ سیرجان ۱۳۷۲   انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

۳۴. وزیری، احمدعلی خان   جغرافیای کرمان چاپ چهارم ۱۳۷۶ انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳۵. وزیری، احمدعلی خان   تاریخ کرمان چاپ دوم ۱۳۵۲ انتشارات ابن سینا.

۳۶. وثوقی رهبری، علی‌اکبر   تاریخ تمدن و فرهنگ سیرجان ۱۳۸۰ انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.